

اجتماعی



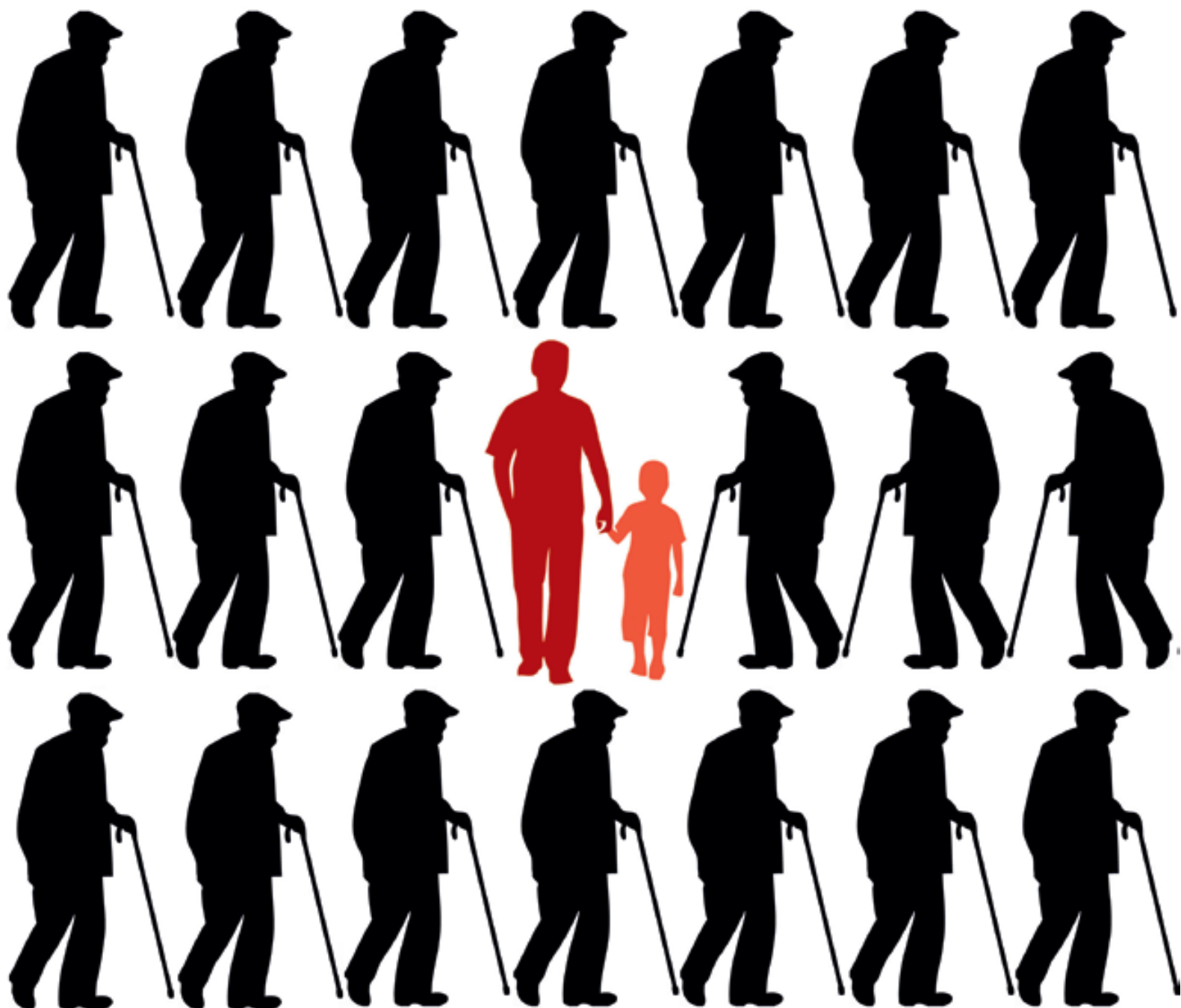
بحران
تجدیدنسل

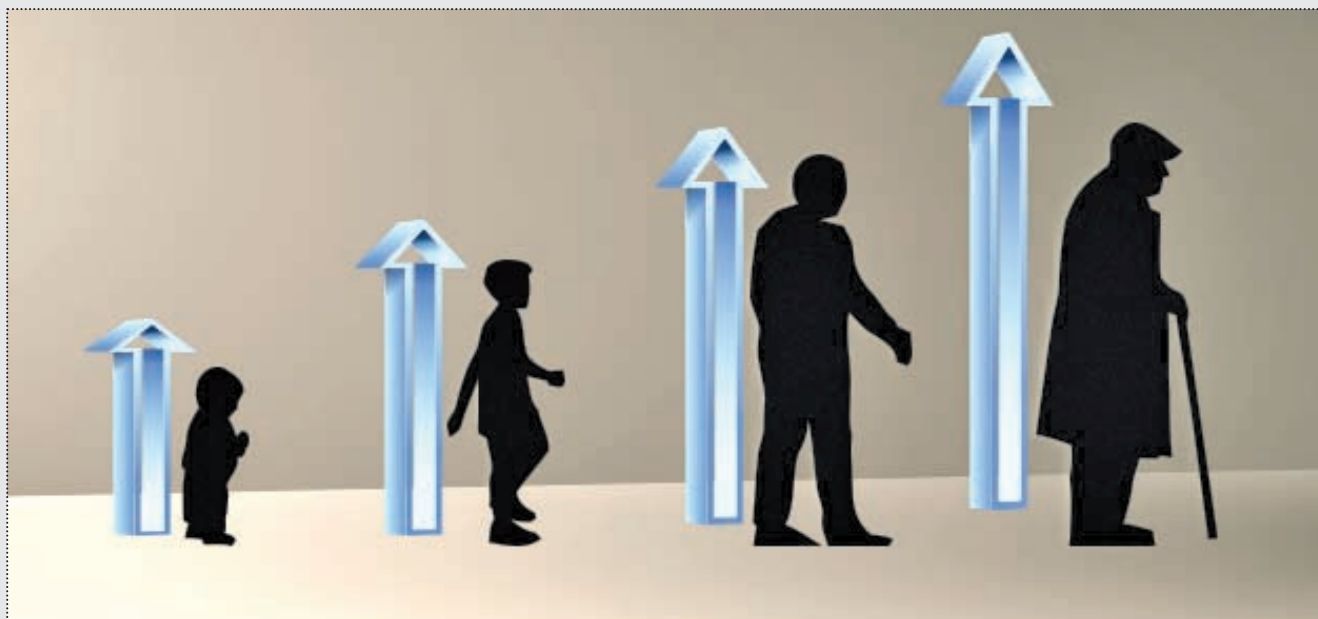


پدیده
آشیانه خالی
در انتظار شما



بحران های جمعیتی
به روایت آمار

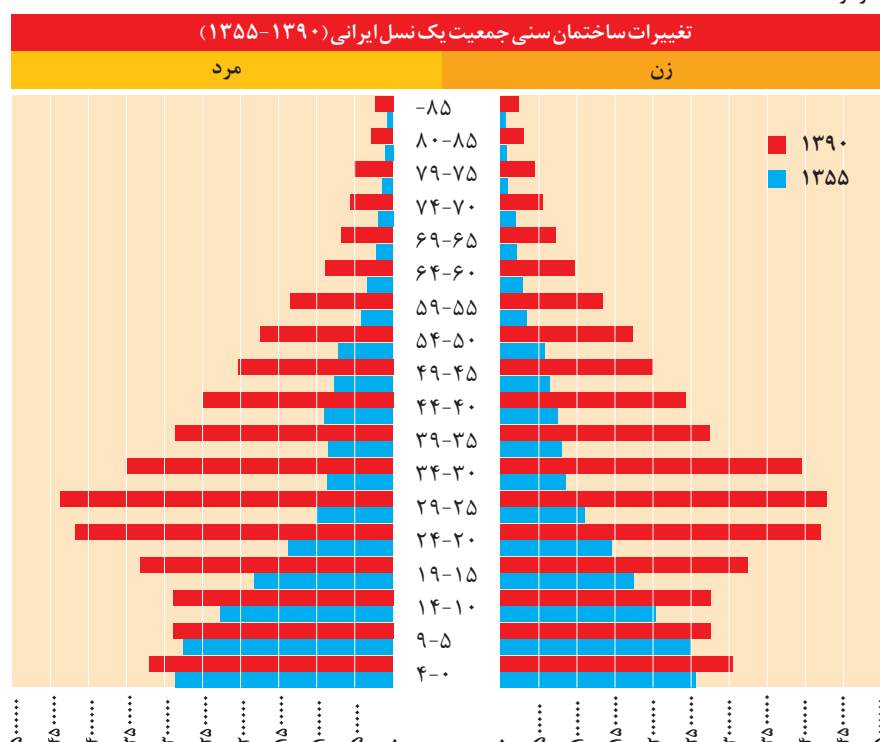




بحران‌های جمعیتی به روایت آمار

و جیهه محسنی

نمودار ۱



پیر شدن جمعیت از جمله چالش‌هایی است که امروز بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای توسعه یافته با آن مواجهند؛ چالشی که به دنبال کاهش نرخ جمعیت و رشد منفی آن اتفاق می افتد و توقف و کاهش رشد اقتصادی، کاهش بهره وری، افزایش آمار بازنشستگان و کاهش آمار شاغلان، پایین آمدن نرخ مشارکت اقتصادی و اجتماعی و افزایش هزینه های درمان و بیمه از مهم ترین پیامدهای آن است. جامعه ای که در مسیر پیر شدن پیش می رود به طور حتم چشم انداز امیدوارکننده ای در بسیاری از حوزه ها اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و... ندارد. کشور ما ایران نیز به لحاظ روند رو به کاهش نرخ رشد جمعیت در صورت تغییر مسیر ندادن در حوزه جمعیت در آینده ای نه چندان دور بحران سالمندی را تجربه خواهد کرد؛ تجربه تلخی که بسیاری از کشورهای توسعه یافته اکنون با تبعات آن درگیرند و سیاستگذاری هایشان برای عبور از آن نیز تاثیری نداشته است و همچنان در آرزوی افزایش جمعیت مولد و جوان و کنترل بحران سالمندی به سر می برند. بحرانی که ما هنوز آن را جدی نگرفته ایم در حالی که در آینده چالش های متعدد و هزینه های فراوانی را به جامعه و کشور تحمیل خواهد کرد. براساس آمار جمعیت بالای ۶۵ سال در سال ۵۵ جمعیتی ۳/۵ درصدی را شامل می شد که در سال ۹۰ به ۵/۷ درصد رسیده است.

جدول ۲

تحولات تعداد و در صد رشد سالانه کل جمعیت و جمعیت سالمند (۶۰ ساله به بالا) طی سال های ۱۳۵۵-۱۳۸۵				
سال	جمعیت (هزار نفر)	جمعیت سالمند ۶۰ ساله (هزار نفر)	سهم جمعیت سالمند از جمعیت کشور (درصد)	متوسط رشد سالانه (درصد)
۱۳۵۵	۳۳۷۰۹	۱۷۷۰	۵/۲	-
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵	۲۶۸۸	۵/۴	۴/۲
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵	۳۹۷۸	۶/۶	۴/۰
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵	۵۱۲۱	۷/۳	۲/۵

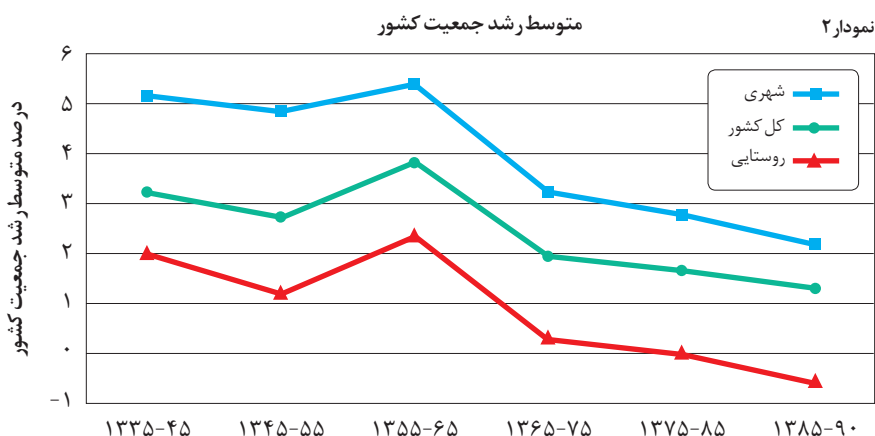
روند تغییرات جمعیت در گروه های عمده سنی ۱۳۵۵-۱۳۹۰

سال	جمعیت ۱۴-۰ سال	جمعیت ۱۵-۶۴ سال	جمعیت ۶۵ سال و بالاتر
۱۳۹۰	۲۳/۴	۷۰/۹	۵/۷
۱۳۸۵	۲۵/۱	۶۹/۷	۵/۲
۱۳۷۵	۳۹/۵	۵۶/۱	۴/۳
۱۳۶۵	۴۵/۵	۵۱/۵	۳/۰
۱۳۵۵	۴۴/۵	۵۲/۰	۳/۵

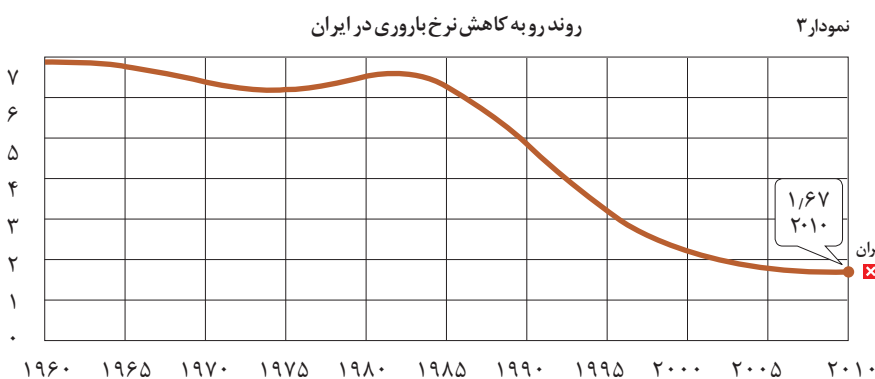
در حال حاضر هرم سنی در کشور در حال حرکت از ساختاری کاملاً جوان به سوی ساختاری سالخورده است که این روند با مشاهده نمودار ۱ و جدول ۲ کاملاً گویاست.

جدول ۳

تحولات در صدر رشد سالانه جمعیت ایران به تفکیک مناطق شهری و روستایی طی سال های ۹۰-۱۳۳۵			
دوره سرشماری	مناطق شهری	مناطق روستایی	کل
۱۳۳۵-۴۵	۵/۰۲	۲/۱۳	۳/۱۳
۱۳۴۵-۵۵	۴/۹۳	۱/۱۱	۲/۷۱
۱۳۵۵-۶۵	۵/۴۱	۲/۳۹	۳/۹۱
۱۳۶۵-۷۵	۲/۹۵	۰/۲۸	۱/۹۶
۱۳۷۵-۸۵	۲/۷۴	-۰/۴۴	۱/۶۱
۱۳۸۵-۹۰	۲/۰	-۰/۳۵	۱/۳

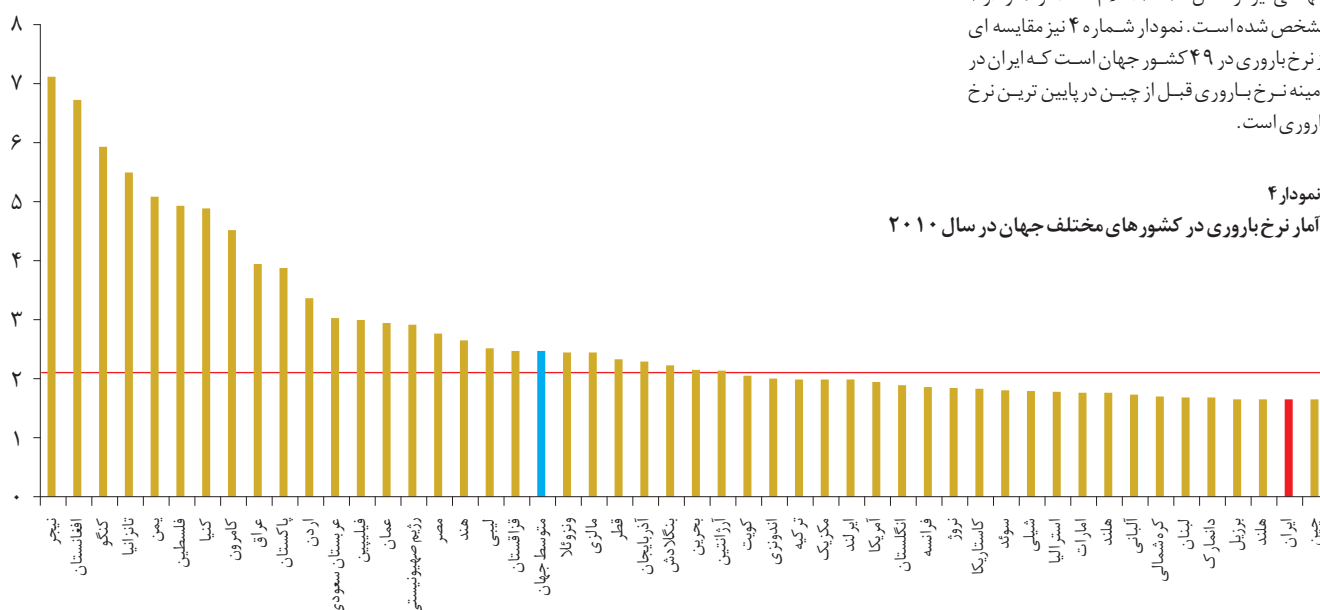


متوسط رشد سالانه جمعیت: منظور افزایش سالانه تعداد جمعیت به ازای هر ۱۰۰ نفر است.



منبع: بانک جهانی

نرخ باروری کل: متوسط فرزندان زنده متولد شده به ازای یک زن



ویژه نامه نوروزی
روزنامه خراسان
فروردین ۱۳۹۳

بر اساس پیش بینی سازمان ملل جمعیت بالای ۶۰ سال ایران در سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۵۰ بار شد ۲۶ درصدی به ۳۳ درصد کل جمعیت می رسد که رتبه سوم جهان را از نظر سرعت پیر شدن به خود اختصاص می دهد.

افزایش طول عمر، کاهش نرخ باروری و افزایش سن افراد متولد شده در دوره رشد سریع جمعیت، عاملی است که در روند پیر شدن جمعیت نقش دارند به نظر می رسد کاهش نرخ باروری در کشور تاثیر مهمی در حرکت به سمت پیر شدن جمعیت دارد.

آهنگ رشد جمعیت در سال های بعد از انقلاب و دهه ۶۰ عزم مسئولان را برای کاهش نرخ جمعیت و اعمال سیاست های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده برانگیخت و سیاست های جمعیتی به گونه ای اعمال شد که نرخ ۳/۹۱ درصدی رشد جمعیت در بازه زمانی سال ۵۵ تا ۶۵ به نرخ رشد ۱/۹۶ درصد در دهه ۶۵ تا ۷۵، نرخ رشد ۱/۶۱ درصد در دهه ۷۵ تا ۸۵ و ۱/۳ درصد در بازه زمانی ۸۵ تا ۹۰ رسید در حالی که بر اساس برنامه ریزی ها سیاست های کاهش نرخ جمعیت که قرار بود در عرض ۲۵ سال اجرا شود و اکنون به نرخ ۲/۱ درصد برسد با شتاب طی ۶ سال اجرا شد و اکنون نرخ رشد جمعیت به جای ۲/۱ درصد به ۱/۲۹ درصد رسیده است. (جدول ۳ و نمودار ۲)

از سوی دیگر طی دهه های اخیر به دلایلی از جمله افزایش میزان باسوادی زنان (۵۲ درصد در سال ۶۵ و ۸۰ درصد در سال ۸۵)، توسعه شهرنشینی (۶۰ درصد در سال ۶۵ و ۶۸ درصد در سال ۸۵)، افزایش سن ازدواج (به ترتیب برای مردان و زنان ۲۴ و ۱۹/۷ در سال ۶۵ و ۲۶/۵ و ۲۳/۱ در سال ۸۵ و ۲۶/۷ و ۲۳/۴ در سال ۹۰)، توسعه اشتغال زنان (۶۱ درصد در سال ۶۵ و ۹۵ درصد در سال ۸۵)، گرایش زنان به تحصیلات و آموزش عالی (۴/۷ درصد در سال ۶۵ و ۲۰ درصد در سال ۸۵) تغییر کار کرد خانواده، توسعه اقتصادی و... شاهد کاهش سریع میزان باروری بوده ایم. به گونه ای که بر اساس آمارها میزان باروری که در سال ۷۷، ۴۵ و ۷۷/۴۵ فرزند برای هر زن و در سال ۵۵، ۶۳ و ۶۳/۶۳ فرزند بود از سال ۶۳ با آغاز روند کاهش نرخ جمعیت به ۵/۵ فرزند در سال ۶۷ رسید و با اعمال سیاست های کنترل موالید و تنظیم خانواده این رقم در سال ۷۹ به ۲/۱۷ و در سال ۸۵ به ۱/۸ فرزند رسید.

روند روبه کاهش نرخ باروری در ایران که از سوی بانک جهانی نیز در سال ۲۰۱۰ اعلام شده در نمودار ۳ مشخص شده است. نمودار شماره ۴ نیز مقایسه ای از نرخ باروری در ۴۹ کشور جهان است که ایران در زمینه نرخ باروری قبل از چین در پایین ترین نرخ باروری است.

نتایج پیش بینی های سازمان ملل در سال ۲۰۱۰ درباره تحولات باروری نشان می دهد که در هر سه سناریوی رشد پایین، متوسط و بالا برای جمعیت ایران، تا سال ۱۴۲۰ سطح باروری در ایران به سطح جانشینی افزایش نخواهد یافت. (جدول ۴-۵-۶) جدول شماره ۷ تحولات جمعیتی کشورهای ایران، آمریکا، آلمان، انگلیس، فرانسه و ژاپن را بر اساس ۴ سناریوی سازمان ملل مبتنی بر رشد کم، متوسط، بالا و ثابت در سال های ۱۳۹۰ و ۱۴۸۰ هـ. ش نشان می دهد.

جدول ۵

پیش بینی جمعیت ایران بر اساس سناریوی رشد متوسط سازمان ملل در سال ۲۰۱۰	سال	تعداد جمعیت (میلیون نفر)	باروری کل	درصد جمعیت ۶۰ سال به بالا
۱۳۸۰	۶۵/۳۴۲	—	۶/۵	
۱۳۹۰	۷۳/۹۷۴	۱/۷۷	۷/۵	
۱۴۰۰	۸۱/۰۴۵	۱/۴۵	۱۰/۴	
۱۴۱۰	۸۴/۴۳۹	۱/۳۴	۱۵/۳	
۱۴۲۰	۸۵/۸۹۳	۱/۴۶	۲۲	
۱۴۳۰	۸۵/۳۴۴	۱/۶۱	۳۳/۱	
۱۴۴۰	۸۱/۶۸۴	۱/۷۳	۳۶/۷	
۱۴۵۰	۷۶/۰۱۶	۱/۸۱	۳۷/۷	
۱۴۶۰	۷۰/۰۰۲	۱/۸۸	۳۸/۲	
۱۴۷۰	۶۵/۳۵۳	۱/۹۴	۳۶/۲	
۱۴۸۰	۶۲/۵۹	۱/۹۸	۳۴/۷	

جدول ۴

پیش بینی جمعیت ایران بر اساس سناریوی رشد بالا سازمان ملل در سال ۲۰۱۰	سال	تعداد جمعیت (میلیون نفر)	باروری کل	درصد جمعیت ۶۰ سال به بالا
۱۳۸۰	۶۵/۳۴۲	—	۶/۵	
۱۳۹۰	۷۳/۹۷۴	۱/۷۷	۷/۵	
۱۴۰۰	۸۳/۴۳۳	۱/۸۵	۱۰/۱	
۱۴۱۰	۸۹/۹۰۸	۱/۸۴	۱۴/۳	
۱۴۲۰	۹۴/۷۴۷	۱/۹۶	۲۰	
۱۴۳۰	۹۸/۹۳۲	۲/۱۱	۲۸/۵	
۱۴۴۰	۱۰۰/۴۷۳	۲/۲۳	۲۹/۸	
۱۴۵۰	۱۰۰/۷۲۸	۲/۳۱	۲۸/۵	
۱۴۶۰	۱۰۱/۷۲۳	۲/۳۸	۲۸/۴	
۱۴۷۰	۱۰۴/۵۵۳	۲/۴۴	۲۷/۲	
۱۴۸۰	۱۰۹/۱۹۵	۲/۴۸	۲۶/۱	

جدول ۶

پیش بینی جمعیت ایران بر اساس سناریوی رشد پایین سازمان ملل (سال ۲۰۱۰)	سال	تعداد جمعیت (میلیون نفر)	باروری کل	درصد جمعیت ۶۰ سال به بالا
۱۳۸۰	۶۵۳۴۲	—	۶/۵	
۱۳۹۰	۷۳۹۷۴	۱/۷۷	۷/۵	
۱۴۰۰	۷۸۶۵۷	۱/۰۵	۱۰/۷	
۱۴۱۰	۷۸۹۸۵	۰/۸۴	۱۶/۳	
۱۴۲۰	۷۷۳۹۲	۰/۹۶	۲۴/۴	
۱۴۳۰	۷۳۲۱۴	۱/۱۱	۳۸/۵	
۱۴۴۰	۶۵۸۸۰	۱/۲۳	۴۵/۵	
۱۴۵۰	۵۶۴۱۴	۱/۳۱	۵۰/۸	
۱۴۶۰	۴۶۴۱۷	۱/۳۸	۵۲/۹	
۱۴۷۰	۳۷۹۹۸	۱/۴۴	۴۹/۸	
۱۴۸۰	۳۱۳۹۷	۱/۴۸	۴۷/۴	

جمعیت شناسان برای تحلیل و تبیین تحولات جمعیتی از نظریه گذار جمعیتی استفاده می کنند. گذار جمعیتی ناظر بر انتقال جوامع از یک الگوی کنترل طبیعی جمعیت به کنترل ارادی جمعیت است. در گذار اول جمعیتی، انتقال از یک الگوی کنترل طبیعی باروری به کنترل ارادی، سطح باروری به تدریج کاهش می یابد اما بالاتر از سطح جانشینی است. در گذار دوم جمعیتی، باروری به سطح جانشینی (میزان باروری کمتر از ۲/۱) می رسد و تداوم پیدا می کند. مهم ترین مسائل و چالش های گذار اول جمعیتی رشد بی رویه جمعیت کشور ها، افزایش جمعیت زیر ۱۵ سال، افزایش نیاز های بهداشتی، افزایش جمعیت متقاضی آموزش عمومی، اهمیت پیدا کردن خدمات تنظیم خانواده و کنترل موالید و افزایش بعد خانوار است. اما مرحله گذار دوم جمعیتی شامل چالش های جمعیتی (مثل بحران کاهش میزان باروری، کاهش نیروی در سن کار، بحران سالمندی، افزایش مهاجرت بین المللی و تغییرات هویتی و فرهنگی) چالش های فرهنگی اجتماعی (مثل بحران ساختاری خانواده، شکاف نسلی، کاهش حمایت خانواده از سالمند و کاهش تدریجی سرمایه های اجتماعی) و چالش های اقتصادی، سیاسی و امنیتی است. در جدول شماره ۸ مراحل سالمندی جمعیت و مدت زمان عبور از یک مرحله به مرحله بعد برای ۹ کشور مشخص شده است. نگاهی به نمودار ها و جدول مربوط به تحولات جمعیتی که از سوی سازمان های متولی همچون سازمان آمار ارائه شده است نشان می دهد که کشور ما با ادامه روند فعلی و در آینده ای نه چندان دور با شتاب به سوی بحران پیر شدن جمعیت و کاهش نیروی جوان پیش می رود و این هشدار ی است که باید از سوی مسئولان و مردم جدی گرفته شود.

جدول ۷

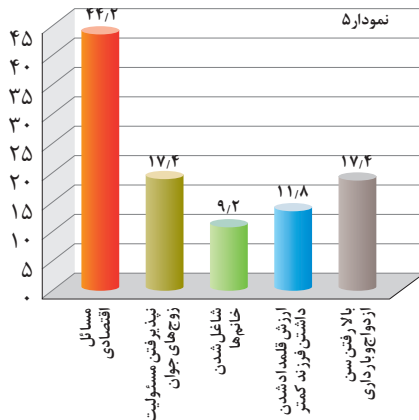
تحولات جمعیتی کشورهای منتخب دنیا بر اساس چهار سناریوی ثابت، متوسط، بالا و پایین در سال ۲۰۰۹ (U.N./2009)	کشور	سال	سناریوی رشد کم	سناریوی رشد متوسط	سناریوی رشد بالا	سناریوی رشد ثابت
ایران	۳۹۰	۷۳/۹۷۴	۷۳/۹۷۴	۷۳/۹۷۴	۷۳/۹۷۴	۷۳/۹۷۴
	۱۴۸۰	۳۱/۳۹۷	۶۲/۰۵۴	۱۰۹/۱۹۵	۷۷/۹۹۶	
	۱۳۹۰	۳۱۰/۳۸۴	۳۱۰/۳۸۴	۳۱۰/۳۸۴	۳۱۰/۳۸۴	
آمریکا	۱۴۸۰	۳۱۰/۶۵۴	۴۷۸/۰۲۶	۷۰۵/۵۶۳	۴۷۲/۲۶۰	
	۱۳۹۰	۸۲/۳۰۲	۸۲/۳۰۲	۸۲/۳۰۲	۸۲/۳۰۲	
	۱۴۸۰	۴۳/۰۰۶	۷۰/۳۹۲	۱۰۸/۶۲۹	۴۴/۴۵۴	
آلمان	۱۳۹۰	۶۲/۰۳۶	۶۲/۰۳۶	۶۲/۰۳۶	۶۲/۰۳۶	
	۱۴۸۰	۴۶/۹۰۶	۷۵/۶۷۶	۱۱۵/۵۷۵	۶۴/۱۶۹	
	۱۳۹۰	۶۲/۷۸۷	۴۲/۷۸۷	۶۲/۷۸۷	۶۲/۷۸۷	
انگلیس	۱۴۸۰	۵۱/۳۱۷	۸۰/۲۸۸	۱۱۹/۹۴۷	۷۴/۶۴۹	
	۱۳۹۰	۱۲۶/۵۳۶	۱۲۶/۵۳۶	۱۲۶/۵۳۶	۱۲۶/۵۳۶	
	۱۴۸۰	۵۵/۲۱۳	۹۱/۳۳۰	۱۴۱/۷۴۹	۵۶/۸۴۶	

جدول ۸

ردیف	کشورها	مرحله اول سالمند شدن (۱۴ درصد-۷)	مرحله دوم سالمند شدن (۲۱ درصد-۱۴)	مرحله سوم فوق سالمندی (انفجار سالمندان) (۲۱+ درصد)	مدت زمان عبور از یک مرحله به مرحله دیگر	مرحله دوم به سوم	مرحله اول به دوم
۱	ژاپن	۱۹۷۰-۱۹۹۵	۱۹۹۵-۲۰۱۰	۲۰۱۰	۲۵	۱۵	
۲	آلمان	۱۹۷۰-۱۹۴۰	۲۰۱۵-۱۹۷۰	۲۰۱۵	۴۰	۴۵	
۳	فرانسه	۱۹۹۰-۱۹۴۰	۲۰۲۰-۱۹۹۰	۲۰۲۰	۶۰	۳۰	
۴	بریتانیا	۱۹۷۵-۱۹۴۰	۲۰۳۰-۱۹۷۵	۲۰۳۰	۴۵	۵۵	
۵	کره جنوبی	۲۰۱۵-۲۰۰۰	۲۰۲۵-۲۰۱۵	۲۰۲۵	۱۵	۱۰	
۶	ایران	۲۰۴۰-۲۰۲۰	۲۰۵۰-۲۰۴۰	۲۰۵۰	۲۰	۱۰	
۷	ترکیه	۲۰۴۰-۲۰۱۵	۲۰۵۵-۲۰۴۰	۲۰۵۵	۲۵	۱۵	
۸	مصر	۲۰۵۰-۲۰۲۰	۲۰۷۰-۲۰۵۰	۲۰۷۰	۳۰	۲۰	
۹	پاکستان	۲۰۶۰-۲۰۴۰	۲۰۸۵-۲۰۶۰	۲۰۸۵	۴۰	۲۵	

نظر سنجی دفتر پژوهش موسسه فرهنگی هنری خراسان درباره تعداد مطلوب فرزند

عوامل کاهش تعداد فرزند پاسخگویان طی نمودار ذیل به نمایش درآمده است:

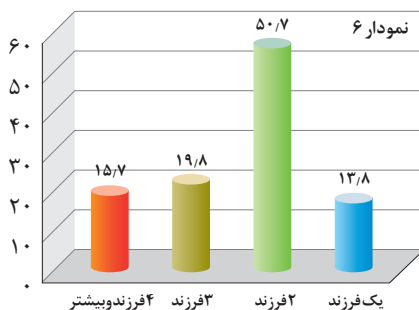


تعداد مطلوب فرزند

پاسخگویان تعداد مطلوب فرزند را بدین شرح بیان کرده اند. ۵۰/۷ درصد پاسخگویان داشتن دو فرزند را مطلوب می‌دانند که بیشترین مقدار را دارد است. بقیه، ۱۹/۸ درصد سه فرزند، ۱۵/۷ درصد چهار تا و بیشتر و ۱۳/۸ درصد یک فرزند را مطلوب می‌دانند.

جدول (۵) تعداد مطلوب فرزند			
تعداد	درصد	درصد معتبر	
یک فرزند	۱۳٫۸	۱۳٫۸	۵۳
دو فرزند	۵۰٫۷	۵۰٫۵	۱۹۴
سه فرزند	۱۹٫۸	۱۹٫۸	۷۶
چهار تا و بیشتر	۱۵٫۷	۱۵٫۶	۶۰
جمع	۱۰۰	۹۹٫۷	۳۸۳
بی پاسخ	۰٫۳		۱
جمع کل	۱۰۰		۳۸۴

تعداد مطلوب فرزند پاسخگویان در نمودار ذیل به نمایش درآمده است:



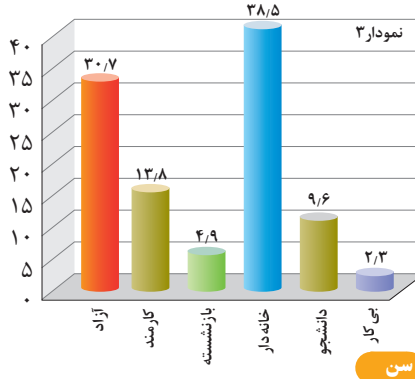
رابطه میان تحصیلات و تعداد مطلوب فرزند

آزمون‌های آماری نشان می‌دهد سطح معنی دار کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین میان تحصیلات پاسخگویان و تعداد مطلوب فرزند رابطه معنی دار وجود دارد. با افزایش سطح تحصیلات پاسخگویان، تعداد مطلوب فرزند کاهش پیدا می‌کند. در کل بین سطوح مختلف تحصیلی، دیپلم و فوق دیپلم بیشترین، تعداد مطلوب فرزند را دو نفر فرزند می‌دانند.

رابطه میان جنسیت پاسخگویان و تعداد مطلوب فرزند

آزمون‌های آماری نشان می‌دهد سطح معنی دار آزمون آماری کای دو کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین میان جنسیت پاسخگویان و تعداد مطلوب فرزند رابطه معنی دار وجود دارد. آقایان داشتن یک فرزند را مطلوب عنوان می‌کنند در صورتی که خانم‌ها دو فرزند، سه فرزند و چهار تا یا بیشتر را مطلوب می‌دانند.

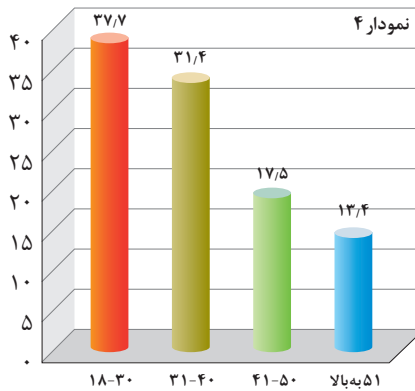
شغل پاسخگویان در نمودار ذیل به نمایش درآمده است:



۳۷/۷ درصد پاسخگویان در طبقه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال و ۳۱/۴ درصد در طبقه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال قرار دارند که بیشترین تعداد را تشکیل می‌دهند و ۱۳/۴ درصد در طبقه سنی ۵۱ سال به بالا قرار می‌گیرند که کمترین تعداد را دارا هستند.

جدول (۴) طبقه سنی پاسخگویان			
تعداد	درصد	درصد معتبر	
۱۸-۳۰	۳۷٫۵	۳۷٫۷	۱۴۴
۳۱-۴۰	۳۱٫۳	۳۱٫۴	۱۲۰
۴۱-۵۰	۱۷٫۴	۱۷٫۵	۶۷
۵۱ به بالا	۱۳٫۳	۱۳٫۴	۵۱
جمع	۹۹٫۵	۱۰۰	۳۸۲
بی پاسخ	۰٫۵		۲
جمع کل	۱۰۰		۳۸۴

طبقه سنی پاسخگویان طی نمودار ذیل به نمایش درآمده است:

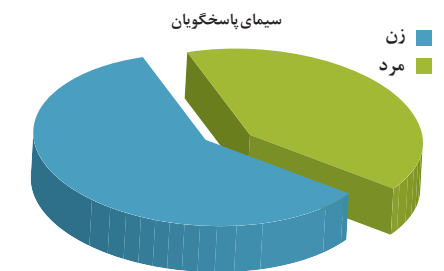


عوامل کاهش تعداد فرزند

بیشتر پاسخگویان دلایل کاهش تعداد فرزند را مسائل اقتصادی (۴۴/۲ درصد) بیان کرده اند. بالا رفتن سن ازدواج و بارداری و نپذیرفتن مسئولیت زوج‌های جوان هر دو با ۱۷/۴ درصد و همچنین ارزش قلمداد شدن داشتن فرزند کمتر با ۱۱/۸ درصد دیگر عوامل را تشکیل می‌دهند. شاغل شدن خانم‌ها با ۹/۲ درصد در این زمینه کمترین میزان را به خود اختصاص داده است.

جدول (۵) عوامل کاهش تعداد فرزند		
تعداد	درصد	
بالا رفتن سن ازدواج و بارداری	۱۳۳	۱۷٫۴
ارزش قلمداد شدن داشتن فرزند کمتر	۹۰	۱۱٫۸
شاغل شدن خانم‌ها	۷۰	۹٫۲
نپذیرفتن مسئولیت زوج‌های جوان	۱۳۳	۱۷٫۴
مسائل اقتصادی	۳۳۷	۴۴٫۲
جمع	۷۶۳	۱۰۰

وحید اقدسی - چندی است که بحث افزایش نرخ جمعیت در محافل رسانه‌ای داغ شده است. تمرکز این مباحث، عمدتاً بر کاهش نگران کننده نرخ رشد جمعیت و تشویق زوج‌های جوان و خانواده‌ها به بچه دار شدن و ازدیاد فرزند است. با این حال، باید دید که این سیاست در میان خانواده‌های ایرانی چه جایگاهی دارد آیا آنها نیز با افزایش تعداد فرزند موافقت می‌کنند؟ گروهی از خانواده‌های ساکن در استان خراسان رضوی، در نظر سنجی دفتر پژوهش موسسه فرهنگی هنری خراسان به این سوال‌ها پاسخ گفته اند که خلاصه‌ای از نتایج آن در ادامه می‌آید.

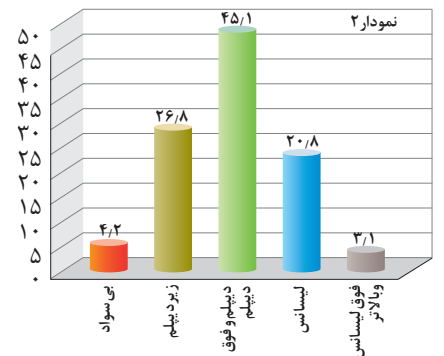


تحصیلات

بیشترین درصد فراوانی سطح تحصیلات اختصاص به دیپلم و فوق دیپلم با ۴۵/۱ درصد و کمترین سطح تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر با ۳/۱ درصد است. بی سواد ۴/۲، افراد زیر دیپلم ۲۶/۸ و لیسانس با ۲۰/۸ درصد بقیه پاسخگویان را تشکیل می‌دهند.

جدول (۲) تحصیلات پاسخگویان	
تعداد	درصد
بی سواد	۴٫۲
زیر دیپلم	۲۶٫۸
دیپلم و فوق دیپلم	۴۵٫۱
لیسانس	۲۰٫۸
فوق لیسانس و بالاتر	۳٫۱
جمع کل	۱۰۰

تحصیلات پاسخگویان طی نمودار ذیل به نمایش درآمده است:



شغل

جدول مذکور نشان می‌دهد خانم‌های خانه دار و شاغلان آزاد به ترتیب با ۳۸/۵ و ۳۰/۷ درصد بیشترین مقدار و بی‌کاران و دانشجویان با مقادیر ۲/۳ و ۹/۶ درصد کمترین پاسخگور را تشکیل می‌دهند.

جدول (۳) شغل پاسخگویان		
تعداد	درصد	
آزاد	۱۱۸	۳۰٫۷
کارمند	۵۳	۱۳٫۸
بازنشسته	۱۹	۴٫۹
خانه‌دار	۱۴۸	۳۸٫۵
دانشجو	۳۷	۹٫۶
بی کار	۹	۲٫۳
جمع	۳۸۴	۱۰۰



مردم در باره فرزند بیشتر چه می گویند؟

علیرضا کافی | نیره حسینی

نرخ باروری در کشور به کمتر از نرخ جایگزینی یعنی ۱/۲ درصد رسیده است. یعنی زنان و مردانی که ازدواج می کنند حتی حاضر به آوردن دو فرزند هم نیستند و این یعنی هشدار یعنی این که در آینده ای نه چندان دور نرخ شد جمعیت در کشورمان به صفر نزدیک خواهد شد و حتی در صورت نیندیشیدن تدبیری راهگشا در این زمینه روبه منفی شدن می گذارد. اتفاقی که حرکت جامعه به سمت سالمندی را تسریع می کند و تبعات پیر شدن جامعه نیز برای یک ملت واضح و آشکار است.

اما در نهایت این مردم هستند که با کسب آگاهی نسبت به تبعات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی باید نگرش خود را درباره داشتن فرزندان بیشتر تغییر دهند به ویژه با توجه به این که در حال حاضر جامعه از حالت کنترل طبیعی جمعیت به شرایط کنترل ارادی جمعیت رسیده است و تا زمانی که همه مردم به ویژه نخبگان نسبت به اهمیت موضوع اقناع نشوند نمی توان به چشم انداز مطلوبی از بحث ضرورت حفظ و حتی افزایش جمعیت جوان جامعه در آینده نیز امیدوار بود. در این خصوص به سراغ اقشار مختلف مردم رفته ایم و نظر آن ها را درباره داشتن فرزند بیشتر و دغدغه های آنان در این باره جویا شدیم. از میان ۲۰ نفر که مورد پرسش واقع شدند ۱۳ نفر (۶۵ درصد) مخالف داشتن فرزند بیشتر بودند، ۴ نفر (۲۰ درصد) مشروط به فراهم بودن امکانات موافق بودند و ۳ نفر نیز (۱۵ درصد) کاملاً موافق این امر بودند که بیشتر دلایل مخالفت نیز مسائل و مشکلات اقتصادی و پس از آن دغدغه تربیت فرزند عنوان شد. (نمودار شماره ۱)

بر اساس مبانی علمی نمی توان این گزارش را به کل جامعه تعمیم داد اما شاید بتوان مدعی شد که متأسفانه در فضای عمومی مخصوصاً در شهرهایی مانند تهران و مشهد که این گزارش از آنجا تهیه شده است، مخالفت با افزایش فرزند جدی است و آنچه مردم فکر می کنند حتماً درست نیست اما ضروری است مسئولان و تصمیم گیران متناسب با این واقعیت ها برنامه ریزی های خود را انجام دهند. این گزارش نهایی است به مسئولان تا از هماهنگی ها و حرف های کلان رویکرد خود را به برنامه های کاربردی و تاثیر گذار بر افکار مردم تغییر دهند.



رضا در رشته نرم افزار مدرک کارشناسی ارشد دارد و در یک شرکت رایانه ای به عنوان مدیر بازرگانی مشغول به کار است. خودش می گوید: برای رسیدن به جایگاهی که در آن قرار دارد خودش و همسرش شیما سختی های زیادی کشیده اند. از تفریح و مسافرت و هزار و یک امکان دیگرشان زده اند تا بتوانند یک آپارتمان ۵۰ متری در تهران بخرند و سال ها باید اقساطش را پرداخت کنند. با این که ۵ سال از زندگی مشترکشان می گذرد و ضار دیهشت ماه واردسی و دوسالگی می شود و همسرش هم وارد ۲۸ سالگی اما هنوز قصد بچه دار شدن ندارند. از او می پرسیم: نمی خواهید بچه دار شوید؟ می گوید: نه. با این شرایط اقتصادی که هر چه در می آورم باید برای اقساط خانه ای که با هزار قرض و قسط خریده ام بدهم چه طور می توانم بچه دار شوم. در شرایط فعلی که چیزی از حقوق ماهانه ام حتی برای اداره زندگی خودم و همسر من ماند نمی توانم مسئولیت یک انسان دیگر را

وارد آن شود. هر زنی دوست دارد مادر شود اما به چه قیمتی؟ بچه ما گناهی نکرده است که بخواید ناخواسته وارد شرایط سخت اقتصادی شود. ببینید وقتی بچه چیزی بخواهد نمی توانی برایش تشریح کنی که حقوقت پایین است یا قسط داری و باید هر چه در می آوری برای پرداخت اقساطت بدهی. پس بهتر است قبل از اینکه خودمان را در چنین شرایطی قرار دهیم اول فکر کنیم. محمود و الهه زوج دیگری هستند که با گذشت ۱۱ سال از ازدواجشان تنها به داشتن یک فرزند اکتفا کرده اند و حاصل زندگی آن ها یک دختر به نام یکتا است. محمود کارمند یک شرکت خصوصی است و همسرش هم در یک اداره دولتی به عنوان کارمند مشغول به کار است. می پرسیم: بعد از یازده سال زندگی مشترک همین یک فرزند برایتان کافی است؟ محمود لبخندی می زند و می گوید: اگر وضعیت اقتصادی مساعد بود و احتمالش را هم می دادم که می توانم از پس مخارجش بر بیایم مطمئن باشید به جز یکتا سه فرزند دیگر هم می آوردم. ولی باور کنید شرایط اقتصادی خیلی سخت است. ناشکری نمی کنم روزگار به هر شکلی شده می گذرد ولی باور کنید برای تامین معاش همین خانواده سه نفره مشکل دارم. وقتی دخترم کوچک تر بود در یک آپارتمان یک خوابه زندگی می کردیم و کرایه کمتری پرداخت می کردیم اما الان با بزرگ شدن دخترم مجبور شدیم به یک خانه بزرگ تر نقل مکان کنیم و به همین خاطر باید ماهانه یک میلیون تومان بابت کرایه خانه پرداخت کنیم. همین موضوع باعث شده است به جای یک شغل دو شغل داشته باشم و از ظهر به عنوان اراننده آژانس تا پاسی از شب با ماشینم کار کنم تا شاید بتوانم از پس هزینه های کمر شکن زندگی بر بیایم. باور کنید اگر من هم یک آپارتمان ۸۰ متری داشتم و از یک درآمد ماهانه مناسب بر خوردار بودم نمی گذاشتم دخترم بدون خواهر و برادر بزرگ شود.

در ادامه با یکی از استادان دانشگاه در رشته پزشکی هم کلام می شوم. هم پزشک است هم استاد دانشگاه و آن گونه که از ظاهر امر بر می آید از وضعیت مالی مناسبی هم برخوردار است. موضوع گزارشم را که با او در میان می گذارم با لبخند می گوید: حتماً می خواهی علت کم فرزند بودن من را هم بدانی و برایت بگویم چرا تک فرزندم.

در جوابش می گویم دقیقاً به خوب نکته ای اشاره کردید. با هر کسی که صحبت می کنیم می گوید مشکل مالی دارم اما شما که خدا را شکر از امکانات مالی خوبی برخوردار هستید. شما چرا به همین یک فرزند اکتفا کرده اید؟

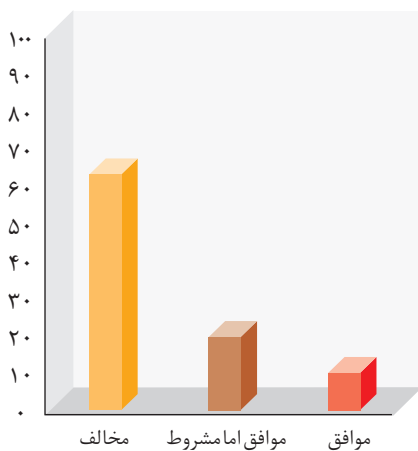
برای پاسخ دادن به پرسش من کمی فکر می کند و می گوید: راستش را بخواهید کیفیت تربیت کودک برای من خیلی مهم تر از کمیت و تعداد فرزندان است. همسر من هم پزشک متخصص است و فرصت کافی برای رسیدگی به امور چند بچه را ندارد. به همین خاطر تمام تلاش و تمرکز من را بر روی تربیت مناسب و خوب همین یک بچه گذاشته ایم. ترجیح می دهم به جای تربیت چندین بچه که به حال خودشان رها شوند تمام تمرکز را روی تربیت یک بچه بگذارم تا در آینده موفق باشد و حسرت زندگی دیگران را نخورد!

حوالی ظهر به یکی از محلات قدیمی تهران می روم و مقابل در یکی از مدارس ابتدایی پسرانه منتظر می مانم تا با پدر و مادرهایی که برای بردن بچه هایشان آمده اند هم کلام شوم. از یکی از خانم ها تعداد فرزندان را می پرسیم. می گوید دو فرزند دارد. دو پسر که یکی کلاس دوم است و دیگری کلاس پنجم دبستان. وقتی او را در جریان موضوع گزارش می گذارم می گوید: من فوق لیسانس زبان انگلیسی دارم و اگر می خواستم بیرون از خانه کار کنم می توانستم درآمد و موقعیت اجتماعی خوبی داشته باشم. اما ترجیح دادم به جای کسب درآمد به تربیت فرزندانم بپردازم. خدا را شکر همسر من شغل آزاد دارد و زندگی من به خوبی اداره می شود. من خودم معتقد به داشتن خانواده پر جمعیت هستم. دوست دارم بچه هایم دور جمع باشند؛ هم الان که کوچکند هم در آینده که بزرگ می شوند و هر کدام خانواده ای تشکیل می دهند.

اما برعکس من همسر من علاقه ای به بچه زیاد ندارد. با اینکه

هم قبول کنم. درست است که خدای روزی رسان است اما خدا بر استفاده از عقل، شعور و آینده نگری هم تاکید دارد. وقتی شرایط اقتصادی من به گونه ای است که خودم می دانم قادر به تامین معاش یک کودک نیستم هیچ وقت تارفع مشکلاتم به بچه دار شدن اقدام نمی کنم. تربیت یک بچه که تنها به خورد و خوراک و سیر کردن شکم خلاصه نمی شود و باید برای آینده اش هم برنامه ریزی کرد. وقتی در سال ۹۲ شهری یک ماه مهملد کودک ۵۰۰ هزار تومان است وقتی بچه من بخواهد مهملد کودک برود حتماً باید ماهی یک میلیون تومان بپردازم، آن وقت درآمدم چقدر اضافه شد؟ ۲۰۰ هزار تومان

از همسرش می پرسیم شما هم به عنوان یک خانم خانه دار که فرصت مناسبی برای تربیت یک کودک دار دباهمسران هم عقیده اید؟ یعنی حاضری به خاطر مشکلات مالی از لذت مادر شدن صرف نظر کنید؟ او می گوید: ماسعی کرده ایم عقلانی تصمیم بگیریم. شرایط فعلی زندگی ما به گونه ای نیست که یک بچه هم بخواهد



حاضر نیستیم تعداد بیشتری بچه داشته باشیم. محمد ۳۴ ساله، در حال اتمام تحصیلات در مقطع دکتر است و بحث های تشویق فرزندآوری را قبول ندارد، وی که در دوران عقد به سر می برد می گوید: با همسر توافق کرده ایم که صاحب فرزند نشویم. اما ریحانه که ۳۵ ساله و صاحب دو فرزند است می گوید: من و خواهر شوهرها و جاری هایم همه معتقدیم که حداقل باید ۳ بچه داشته باشیم، ان شاء... باید نسل شیعه و جمعیت شیعیان افزایش پیدا کند.

به گفته اکرم که ۴۲ ساله و صاحب یک فرزند است، نمی شود فرزندآوری را برای تمام افراد توصیه کرد و شرایط هر کسی را باید در نظر گرفت، متأسفانه این گونه تشویق ها بیشتر افراد حاشیه نشین شهرها را به فرزندآوری ترغیب می کند که آسیب های اجتماعی بیشتری را در پی دارد ولی اگر سیاست ها به گونه ای باشد که قشر تحصیل کرده و نخبه جامعه با حمایت های لازم فرزندان بیشتری داشته باشند، نتیجه خوبی به همراه خواهد داشت.

سحر ۳۷ ساله نیز با داشتن یک فرزند به هیچ وجه با تشویق خانواده ها به فرزندآوری موافق نیست و خودش نیز تمایل به داشتن بچه دوم ندارد. او می گوید: مخارج زندگی بسیار زیاد است. امروزه امکانات خوب اقتصادی وجود ندارد و من ترجیح می دهم همین یک بچه را به سلامتی و به خوبی تربیت و بزرگ کنم تا این که چند بچه داشته باشم و به آن ها نسیم.

۱۸-۱۷ سال از زندگی مشترک محمدی گذرد که کارشناس ارشد، ۴۶ ساله و صاحب ۲ فرزند است می گوید: با وضعیت فعلی اصلاً فرزندآوری زیاده مناسب نمی بینم، آن قدر نگرانی ها زیاد است که نمی توانیم اطمینان کنیم، نه خودم حاضریم بچه دیگری داشته باشم نه به اطرافیان توصیه می کنم. نیازهای مختلفی وجود دارد و تنها مسائل اقتصادی نیست، اگر چه که خود این مسئله هم مشکل کمی نیست ثانیاً اولویت از دواج جوانان است، این همه جوان که باید ازدواج کنند و نمی توانند، شرایط را ندارند، اگر مشکل از دواج آن ها حل شود و حتی فقط یک بچه به دنیا بیاورند، مشکل نرخ پایین جمعیت حل می شود؛ مسئولان مشکل از دواج جوانان را حل کنند.

سامان ۲۷ ساله با تحصیلات مقطع کاردانی دوران عقد را سپری می کند. او می گوید مسائل اقتصادی مطرح است، اگر این درست شود ما هیچ مشکلی برای بچه دار شدن نداریم، دوستان من همه همین اعتقاد را دارند. اگر شرایط مالی خودم مناسب باشد ۳ یا ۴ فرزند هم خواهم داشت ولی اگر شرایط اقتصادی ام خوب نباشد یکی و در نهایت دو بچه. البته در کنار مسائل اقتصادی، امکانات و مسائل فرهنگی و تربیتی هم هست که آن ها هم باید فراهم باشد.

مهدی ۲۷ ساله که کارشناس ارشد و دارای یک فرزند ۷ ماهه است افزایش جمعیت را مطلوب نمی داند و می گوید: با تولد بچه بیشتر از نیازهای مالی و اقتصادی، به بستر درستی در جامعه به لحاظ فرهنگی و اجتماعی نیاز داریم اصلاً شرایط جامعه به گونه ای نیست که بتوان تعلیم و تربیت فرزند را به راحتی به آموزش و پرورش و مدرسه سپرد.

۱۳ ساله ام تبلت یک میلیون و نیمی از من می خواهد. از کجا بیاورم. مشکل که یکی دو تا نیست بچه ها متوقع شده اند. سمیرا ایسانسیه و شاغل و دارای ۲ فرزند است با داشتن فرزند بیشتر مخالف است و دلیل آن را نیز مشکلات اقتصادی و مسئولیت سنگین تربیت فرزند عنوان می کند.

آقای حدود ۳۰ ساله دارای مدرک کارشناسی می گوید: یک سال از ازدواجمان می گذرد و فعلاً تصمیمی برای داشتن فرزند ندارم البته به نظر من مسائل اقتصادی در این زمینه نقشی ندارد و شاید بیشتر بهانه باشد اما من بیشتر دغدغه تربیت فرزند را دارم تا مشکلات اقتصادی و احساس می کنم آمدگی فرزند را شدن را ندارم اما اگر همه شرایط هم مهیا باشد در نهایت توان تربیت بیش از ۲ فرزند را ندارم وی در ارتباط با سیاست های تشویقی افزایش جمعیت می گوید: این سیاست متأسفانه تاکنون بیشتر جمعیت غیر بر خوردار را تحت تأثیر قرار داده است. زهر ۳۲ ساله و شاغل و دارای یک فرزند است. او می گوید به نظر من اگر خانواده ها از شرایط نسبتاً مطلوبی در زمینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر خوردار باشند داشتن حدود ۳ فرزند مطلوب است.

این امر هم برای پدر و مادر در آینده و دوران سالمندی مطلوب است و هم برای بچه ها که در بزرگسالی از حمایت و ارتباط عاطفی با یکدیگر بر خوردار می شوند اما نمی توان برای همه یک نسخه واحد پیچید به نظر من کسانی که در همه ابعاد توان کافی دارند می توانند فرزند بیشتری داشته باشند ولی اگر قرار باشد فرزندی به دنیا بیاید ولی از پس هزینه ها و تربیت و نگهداری او بر نیایی همان بهتر که فرزند کمتری داشته باشی. او تصریح می کند: یکی از علل تمایل نداشتن بیشتر خانم های شاغل به فرزند بیشتر این است که امکان صرف وقت زیاد با فرزندشان را ندارند و این ظلم به فرزند است.

۳۵ ساله، دیپلمه، خانه دار و مادر ۳ بچه است. وقتی نظرش را درباره فرزند بیشتر می پرسیم می گوید: با کدام امکانات؟ من که با این سیاست ها مخالفم. بچه خرج دارد. یک بسته پوشک می خریم ۱۴ هزار تومان. با این خانه های کوچک چه جای بچه دار شدن است. عباس که ۳۰ ساله است و ۸ سال از زندگی مشترکش می گذرد و صاحب یک فرزند ۳ ساله است می گوید: اگر شرایط اقتصادی ام خوب باشد و خدا برساند چند سال دیگر یک بچه دیگر هم داشته باشیم خوب است ولی در این شرایط اقتصادی که برای امور جاری زندگی مان می مانیم، اصلاً به بچه بیشتر فکر نمی کنم و با آن مخالفم.

فرزانه ۶۱ ساله و مدرس دانشگاه نیز این گونه می گوید: در شرایط فعلی آوردن فرزند ظلم به بچه هاست و من اصلاً به فرزندانم توصیه نمی کنم که بچه دار شوند، با فرزندآوری زیاد هم به شدت مخالفم. خانمی پزشک و صاحب ۲ فرزند که دومی چند وقتی است به دنیا آمده است معتقد است تا حالا اشتباه می کرده که بچه دار نمی شده است و در اولین فرصت فرزند بعدی اش را به دنیا خواهد آورد.

شینم، دانشجوی کارشناسی ارشد و صاحب دو فرزند است او که شاغل است می گوید: زیر بار خرج همین دو تا هم مانده ایم شاید هم اشتباه کردیم که فرزند دوم را به دنیا آوردیم و با وجود وعده هایی که می دهند مثل مرخصی زایمان و یا ماندن آن اصلاً

*** اگر من هم یک آپارتمان ۸۰ متری داشتم و از یک درآمد ماهانه مناسب بر خوردار بودم نمی گذاشتم دخترم بدون خواهر و برادر بزرگ شود.**
*** من خودم معتقد به داشتن خانواده پر جمعیت هستم. دوست دارم بچه هایم دورم جمع باشند**
*** با یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان، چه طور می توان یک میلیون اجاره خانه داد و آن وقت چند تا بچه داشت؟**
*** به نظر من مسائل اقتصادی در این زمینه نقشی ندارد و شاید بیشتر بهانه باشد اما من بیشتر دغدغه تربیت فرزند را دارم.**

مشکلی هم برای اداره زندگی ندارم اما می گوید: حوصله خانواده شلوغ و پر سر و صدا را ندارم. می پرسیم شما که تحصیله کده اید از نرخ باروری پایین و کمتر شدن نرخ باروری از نرخ جایگزینی چیزی شنیده اید؟ جوابش مثبت است. می گوید: تحلیل های روزنامه ها را می خوانم و از وضعیت مطلعم. اما چه می شود کرد شرایط اقتصادی برای خیلی از مردم مشکل شده است و از پس مخارجشان بر نمی آیند.

با پدر یکی از بچه ها که صحبت می کنم می گوید: آقا من دو تا بچه دارم. از وقتی هم که یادمان می آید همه می گفتند بچه که چون و نفسه، یکیش خوبه دو تا بسمه اما حالا تا یکید بر افزایش جمعیت است. سوالم از مسئولان این است آیا تا به حال اجاره خانه ماهی یک میلیون تومان داده اند. می توانند حساب و کتاب کنند با حقوق یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان، چه طور می توان یک میلیون اجاره خانه داد و آن وقت چند تا بچه داشت؟

می گویم شما خود بچه دوست داری یا نه؟ در جواب می گوید: عجب سوال هایی می کنی آقا. مگر می شود کسی بچه دوست نداشته باشد. هر کسی دوست دارد خانواده ای داشته باشد که دور و برش باشند. به نظر من شما که خبرنگاری اول به مسئولان بگو مشکلات مردم را بر طرف کنند. هیچ کس هم از بچه زیاد بدش نمی آید. من دو تا بچه دارم یک پسر و یک دختر که برخلاف میل یک اتاق را به پسر ۱۰ ساله ام و خواهر ۱۳ ساله اش اختصاص داده ام. می پرسیم همه مشکل شما اجاره خانه و خرج روزمره زندگی است؟ این بار عصبانی می شود و می گوید ببینم شما بچه بودی از پدرت تبلت می خواستی؟

دختر من یک ماه است دائم تکرار می کند که من تبلت می خواهم. همه دوست ها و همکلاسی هایم دارند من ندارم. گوشی ساده تلفن همراهش را از جیبش در می آورد و می گوید: من بعد از ۴۰ سال زندگی این گوشی را دارم آن وقت بچه



پدیده آشیانه خالی در انتظار شما

علیرضا کافی | نیره حسینی



موضوع کاهش نرخ جمعیت و میزان باروری و حرکت جامعه به سوی سالمندی از جمله مسائلی است که آثار آن تمام افراد را در هر سطحی تحت الشعاع قرار می‌دهد و در واقع مخاطب این موضوع شاید تمام افراد جامعه باشند. در یکی، دو سال اخیر کارشناسان دغدغه‌ها و تبعات پیری جمعیت و حرکت جامعه به سوی سالخوردگی را مطرح و خواهان بازنگری برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در سیاست‌های جمعیتی شده‌اند تا شاید قبل از این که خیلی دیر شود نسبت به تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری تمهیداتی را در نظر بگیرند. در این بین آن چه نقش مهمی دارد، آگاهی افراد از ضرورت، حساسیت و اهمیت این موضوع است زیرا جدا از نمای کلی جامعه که نیاز به نیروی جوان دارد، نبود فرزند کافی در خانواده‌ها تأثیراتی را نیز بر روابط اعضای خانواده، شخصیت فرزندان و نیازهای عاطفی والدین در آینده خواهد داشت. برای واکاوی بیشتر این بحث به سراغ ۳ کارشناس رفته ایم و نظرات آنان را در ارتباط با تبعات کاهش نرخ جمعیت بر والدین و فرزندان جویا شدیم.

در ابتدا با دکتر الهیاری رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره به گفت‌وگو نشستیم.

*** متأسفانه فرهنگ کم‌فرزندی و حتی تک‌فرزندی در بین خانواده‌های ایرانی در حال نهادینه شدن است. خانواده‌های کم‌جمعیت و کم‌فرزند و کم‌شدن تعاملات خانوادگی و کوچک شدن شبکه تعاملات خانوادگی در خانواده‌های ایرانی چه تبعاتی می‌تواند برای کودکان فعلی و جوانان آینده در پی داشته باشد؟**

در موضوع خانواده‌های کم‌جمعیت اولین نکته‌ای که باید بررسی شود تأثیر کم‌جمعیتی بر روی فرزندان است. تحقیقات روانشناسی نشان می‌دهد که هدف از تربیت در خانواده رشد همه جانبه فرزندان است. به نحوی که کودک در تمامی ابعاد رشد کند و به تمامی ظرفیت‌های درونی خود برسد و استعدادهایش شکوفا شود. تحقیقات روانشناسی حکایت از این دارد که فرزندانانی که در خانواده‌های کم‌فرزند زندگی می‌کنند معمولاً از نظر رشد اجتماعی شخصیت دچار مشکل می‌شوند این در حالی است که کودک باید از جنبه‌های مختلف مانند عاطفی، شناختی، اجتماعی و اخلاقی رشد کند. نکته قابل توجه این است که فرزندانانی که در این قبیل خانواده‌ها رشد می‌کنند از پختگی اجتماعی کمتری برخوردارند.

*** منظور از رشد اجتماعی که به آن اشاره کردید چیست؟** توانمندی ابراز وجود توسط فرد از نظر روانشناسان رشد اجتماعی نامیده می‌شود. اینکه فرد بتواند با دیگران ارتباط برقرار کند و افکار، خواسته‌ها و دیدگاه‌هایش را بیان کند. فردی که رشد اجتماعی مناسبی داشته باشد می‌تواند انتقادات دیگران را به خوبی بشنود و اگر انتقادی به او هست به آن پاسخ دهد. پاسخی همراه با حفظ حرمت و کرامت دیگران. به عبارتی دیگر یعنی اینکه تفهیم و تفاهم متقابل بین او و طرف مقابلش وجود داشته باشد.

فرزندانانی که در خانواده‌های کم‌جمعیت با تعداد کمتری خواهر و برادر رشد می‌کنند معمولاً بعداً اجتماعی شخصیت‌شان کمتر رشد می‌کند و از نظر روانشناختی به صورت تک‌بعدی رشد می‌کنند. این افراد ممکن است از لحاظ هوشی در وضعیت بسیار خوبی باشند و حتی به مراتب بالایی علمی نیز برسند اما معمولاً از نظر اجتماعی دچار مشکل هستند. باید توجه داشت که رشد اجتماعی، رشدی اکتسابی است و از تعامل با همسن و سالان شکل می‌گیرد.

*** بر جمعیت بودن خانواده و تعداد زیاد خواهران و برادران چه تأثیری در شکل‌گیری بعد اجتماعی شخصیت فرد می‌تواند داشته باشد؟**

تجربه نشان داده ۷۰ درصد از شخصیت کودک در سال‌های

پیش از مدرسه شکل می‌گیرد و زمان اصلی رشد و تربیت کودک همان سال‌های اول زندگی است.

هر چقدر محیط خانواده غنی باشد و تعداد فرزندان بیشتر باشد، به لحاظ عاطفی و اخلاقی و اجتماعی کودک‌ان به دلیل ارتباط با هم رشد بهتری خواهند داشت. کودک باید در یک بستر طبیعی در کنار همسن و سالان خودش به این رشد برسد. هر قدر تعداد همسن و سالان به ویژه خواهر و برادران در این سن بیشتر باشد پختگی و رشد کودک به صورت طبیعی بیشتر است.

هر چقدر محیط از لحاظ تعداد افراد غنی‌تر باشد، هم‌بازی‌ها بیشتر باشد، تعداد فامیل‌ها بیشتر باشد و با تعداد بیشتری از افراد رفت و آمد کنند رشد اجتماعی و پختگی افراد بیشتر خواهد بود. امروزه برخی دانشجویان در مقاطع فوق لیسانس و دکتری را داریم که به دلیل رشد اجتماعی پایین در جمع قدرت ابراز وجود و طرح ایده‌هایشان را ندارند.

متأسفانه مادر خانواده‌ها تمام امکانات را برای فرزندانمان فراهم می‌کنیم ولی در بعد اجتماعی شخصیت کودک کمترین سرمایه‌گذاری را داریم.

*** خانواده‌ها برای جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی چه اقداماتی باید انجام دهند؟**

خانواده‌ها باید در هر شبانه‌روز جلسات گروهی برای بحث بر روی یک موضوع خاص داشته باشند و تمامی اعضای خانواده نسبت به این موضوع اظهار نظر کنند. متأسفانه چنین چیزی در خانواده‌های ما وجود ندارد. فرزندانانی که در خانواده‌های پر جمعیت تر زندگی می‌کنند پخته‌ترند و در مقابله با بحران‌هایی که به صورت طبیعی در مسیر زندگی‌شان رخ می‌دهد از پختگی اجتماعی و عاطفی بیشتری برخوردارند.

*** کودکانی که در خانواده‌های کم‌جمعیت به صورت فردی یا حداکثر یک یا دو خواهر یا برادر پرورش می‌یابند در آینده ممکن است با چه مشکلاتی مواجه شوند؟**

وقتی کودک رشد اجتماعی پایینی دارد در سال‌های بعدی زندگی نیز این ناپختگی را با خود خواهد داشت. اغلب این افراد در سنین نوجوانی و جوانی انسان‌هایی گوشه‌گیر هستند و ارتباط اجتماعی کمتری دارند. حتی قدرت ابراز وجود، قدرت ریسک و قدرت شکست‌پذیری را ندارند. این افراد معمولاً به دلیل نداشتن قدرت ریسک، قبل از شروع به کار، از ترس شکست در آن کار حتی اقدام به شروع آن نمی‌کنند.

این افراد در سن جوانی که می‌خواهند از دواج کنند به دلیل نداشتن پختگی اجتماعی به مشکل برمی‌خورند و حتی ممکن است پس از تشکیل خانواده نیز با مشکلات بسیاری روبه‌رو شوند. البته از نظر مافردی که به رشد اجتماعی مطلوب نرسیده است مجاز به تشکیل خانواده نیست و باید ابتدا بعد مهارت اجتماعی خود را رشد دهد و بعد از آن نسبت به تشکیل خانواده اقدام کند. حتی روانشناسان اقدام به نظر سنجی از تعداد زیادی افراد که سال کرده‌اند و از آنها این سوال را پرسیده‌اند که آیا از زندگی خود راضی هستید و اگر دوباره به شما فرصت زندگی داده شود چگونه زندگی خواهید کرد؟

بزرگسالانی که دوره کودکی، نوجوانی و جوانی غنی داشته‌اند و در اجتماع بزرگ خانوادگی زندگی می‌کرده‌اند به دلیل داشتن ارتباطات بیشتر و در نتیجه آن تجربیات بیشتر، پاسخشان تجربه زندگی قبلی‌شان بوده است. اما افرادی که از پختگی لازم برخوردار نبوده‌اند و در خانواده‌های کم‌جمعیت تر زندگی می‌کردند به دلیل داشتن آرزوها و خواسته‌های بسیار با تأسف از گذشته خود صحبت می‌کنند. اگر می‌خواهیم فردی سلامت روان داشته باشد باید کاری کنیم که این فرد از زندگی، تجربه‌ها، شغل و زندگی اجتماعی‌اش رضایت بیشتری داشته باشد. هر چقدر این احساس رضایت بیشتر باشد فرد از سلامت روان بیشتری برخوردار است. اما اگر فرد در یک محیط

خانوادگی محدود رشد کرده باشد قدرت ابراز وجود و خطر کردن را ندارد.

*** کم بودن تعداد فرزندان و خانواده‌های کم‌جمعیت چه مشکلاتی را در دوران سالمندی برای پدر و مادر به عنوان دورکن اصلی یک خانواده ممکن است ایجاد کند؟**

شبکه خانوادگی یک شبکه در هم تنیده است. به همین دلیل است که در مباحث روانشناسی توجه ویژه‌ای به روانشناسی اجتماعی شده است. در بحث روانشناسی باید اجتماعی بحث کرد یعنی اگر در خانواده پختگی اجتماعی فرزندان خانواده دچار آسیب شود بی‌شک باید گفت پدر و مادر آن کودکان نیز به همان آسیب‌هایی که فرزندان مبتلا هستند گرفتارند. برعکس آن هر چه محیط غنی‌تر باشد پدر و مادر هم از نشاط بیشتری برخوردارند. خلا عاطفی موجود در خانواده‌های کم‌فرزند به مراتب بیشتر از خانواده‌های پر فرزند است. وقتی پدر و مادری تنها به یک یا دو فرزند اکتفا کرده‌اند وقتی در طول زندگی یکی از فرزندان‌شان آسیب ببیند و حتی از بین برود، پدر و مادر دچار ضربه‌های مهلک روانی می‌شوند اما در خانواده‌های پر فرزند در صورتی که یکی از فرزندان دچار مشکل شود پدر و مادر تا حدی می‌توانند با داغ فرزندان‌شان سازگاری پیدا کنند و در کنار سایر فرزندان از آن مشکل عبور کنند. حتی اگر بخواهیم بعد منفی قضیه را ببینیم و نگاهی مثبت گرایانه به موضوع داشته باشیم به پدیده آشیانه خالی بر می‌خوریم. در یک خانواده کم‌فرزند وقتی فرزندان از دواج می‌کنند پدر و مادر به دلیل خالی شدن ناگهانی محیط خانواده احساس خلاء، یاس و ناامیدی می‌کنند. اما در خانواده‌هایی که تعداد فرزندان زیاد است این خلاء احساس نمی‌شود. چون وقتی یکی از فرزندان از دواج می‌کند دیگر فرزندان هنوز در محیط خانواده هستند و بعد از چند سال فرزند اول با فرزندانش به محیط خانوادگی اضافه می‌شوند. لازم است بر روی نکته‌ای تأکید کنم که هیچ چیزی نمی‌تواند جایگزین شبکه اجتماعی گسترده خانوادگی شود. امروزه تجربه خانواده‌های کم‌جمعیت و هسته‌ای در دنیای غرب تجربه‌ای شکست خورده است و اعضای این خانواده‌ها به مشکلات عدیده عاطفی و روانشناختی دچار شده‌اند و روانشناسان این جوامع برای حل این مشکلات با چالش مواجه‌اند.

ممکن است جوامع غربی از امکانات مادی و رفاهی بیشتری نسبت به جوامع و خانواده‌های پر تعداد شرقی برخوردار باشند اما واقعیت این است که احساس ناامیدی و یاس در جوامع غربی به مراتب بیشتر از جوامع پر جمعیت شرقی است. صحبت ما این است که مشکلات جمعیتی که زنگ خطر آن به صدا آمده است جامعه را در آینده از لحاظ روانشناختی با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد کرد. زندگی طبیعی یعنی اینکه در تمامی نسل‌ها ترتیب جمعیتی حفظ شود. اگر هرم جمعیتی دچار تغییر شود جامعه دچار مشکل می‌شود.

در یک خانواده کم‌فرزند وقتی فرزندان از دواج می‌کنند پدر و مادر به دلیل خالی شدن ناگهانی محیط خانواده احساس خلاء، یاس و ناامیدی می‌کنند. اما در خانواده‌هایی که تعداد فرزندان زیاد است این خلاء احساس نمی‌شود.

نمی دهد آن ها به فرزند بیشتر فکر کنند. البته رشد جمعیت کشور ما الان بد نیست و ۱/۶ است که رشد طبیعی و خوبی است بر اساس فرمول آن

۱۰۰ × مرگ و میر - متولدان

= رشد طبیعی

جمعیت میانه (در ۳۱ شهریور)

جمعیت در ۲۹ فروردین + جمعیت اول فروردین

= جمعیت میانه

۲

نتیجه این فرمول نشان دهنده رشد طبیعی است یعنی اگر ۲ نفر متولد شوند و ۲ نفر بمیرند می شود صفر و حالا ۱/۶ است یعنی ۳/۶ متولدین هستند و ۲ نفر می میرند، که این یک امر طبیعی است. البته بحث مهاجران هم وجود دارد و کشور ما مهاجر فرست و مهاجر پذیر است. بنابراین امر مهم تغییر نگرش بانوان است که در سطح گسترده حتی روستاها هم رخ داده است.

*** به نظر شما ساختارهای کوچک خانواده چه تأثیری بر تغییر الگوی ارتباطی اعضای خانواده دارد؟**

قطعاً با تغییراتی همراه است. ما الان با موج سوم در ساختار خانواده روبه روییم یعنی یک موج آمد، خانواده گسترده را از بین برد، موج دوم خانواده ای هسته ای بود که امروزه این ساختار هم در حال اضمحلال است و دارد از بین می رود، الان ۳۳ درصد دختران، تجردگرایی دارند، این امر یک فاجعه است. در واقع خانواده هسته ای، روابط اعضای خانواده را تغییر داد. امروز روابط اعضای خانواده هسته ای به دلیل ماهواره ها، همسالان، چشم و هم چشمی و کار کردن زن و شوهر برای گذراندن امور زندگی و تأمین مخارج آن بسیار تغییر کرده است. امروز انسان شهری تنها، بی کس و بی هویت است، در خانواده روابط موزاییکی است یعنی اعضای خانواده با هم هستند ولی در کنار یکدیگر نیستند، یکدیگر را احساس نمی کنند، با هم گفت و گو نمی کنند. پیوندهای خانوادگی در خانواده های هسته ای ضعیف شده است و این تضعیف حتی از سوی تلویزیون، اینترنت و برخی برنامه ها هم تشدید شده است.

*** حال با وجود این خانواده های کم جمعیت چه تبعات و آسیب هایی گریبانگیر خانواده ها خواهد شد به ویژه در دوره میان سالی والدین و نیازهایی که پیدامی کنند؟**

مطمئناً در آینده مشکلات زیادی خواهیم داشت، ما دچار پیری جمعیت خواهیم شد و به خانه های سالمندان چه دولتی و چه غیر دولتی نیاز پیدا خواهیم کرد و جامعه به این سمت حرکت خواهد کرد، اصلاً یکی از مصائب خانواده های هسته ای و آپارتمان نشینی این است که دیگر خانواده هانی نتوانند از بزرگسالان نگهداری کنند، در آینده این مصیبت برای جامعه وجود خواهد داشت زیرا امید به زندگی در ایران بالا رفته است و در زنان به ۷۵ سال و در مردان به ۷۲ سال رسیده است. ما باید تمهیدات لازم را بسنجیم، همه شهرها باید خانه سالمندان بسازند و برای درمان بیماری سالخورده دگان بیمارستان، پزشک و بیمه پیش بینی شود زیرا مشکلات پیری جمعیت بسیار بیشتر است و این ها همه به جامعه و خانواده هزینه تحمیل می کند.

*** تأثیر نداشتن خواهر و برادر در خانواده بر فرزندان چیست؟**

تک فرزندی بدترین الگویی است که متأسفانه در کشور شکل گرفته است. در حال حاضر ۱۹ درصد خانواده ها در کشور تک فرزند هستند و ۱۴ درصد فرزند ندارند. این امر خودخواهی است و مشکلات زیادی برای فرزندان به همراه دارد و فرد گرایی را افزایش می دهد. در اغلب این خانواده ها فرزند به لحاظ شخصیتی مشکل خواهد داشت، آن ها خواهر و برادر ندارند تا از طریق نقش آفرینی اجتماعی شوند، زیرا بر اساس نظریه «جرج هربرت مید»، افراد از طریق نقش آفرینی، اجتماعی می شوند ولی این فرزندان نقش خواهری و برادری را تجربه نکرده اند و معنا و مفهوم آن را در نمی یابند و در آینده با معضلات عاطفی و روانی روبه رو خواهند بود و مشکلات زیادی خواهند داشت. بی پناهی و تنهایی از جمله مصائبی است که گرفتارشان خواهند شد.



فرزند و نوه بیشتری هستند از حمایت های عاطفی بیشتری هم برخوردارند و کمتر دچار افسردگی می شوند.

*** شیوه های فعلی که در راستای سیاست های افزایش جمعیت به عنوان مشوق های فرزندآوری اعمال می شود را چطور ارزیابی می کنید؟ تأثیر گذاری آن ها را از دیدگاه روان شناختی تا چه حد موثر می دانید؟**

اگر جمعیت کشور به طور متناسب روبه افزایش نباشد، جوان هایبر می شوند، کل جامعه پیر می شود و فعالان اجتماع کم می شوند. اجتماعی که روبه پیری می رود مشکلات و معضلات متعددی پیدا می کند، این سیاست های فرزندآوری برای جوان ماندن جامعه است و سیاست های درستی است؛ اما باید به روش های علمی و با آگاهی دادن به خانواده ها این موضوع رخ دهد.

*** شیوه های تشویقی را از منظر روان شناختی چطور ارزیابی می کنید؟ آیا موثر می دانید؟**

تا حدودی شیوه های فعلی بیشتر جنبه تبلیغاتی و دادن اطلاعات دارد. ما نیاز داریم تا کارشناسان در رسانه ها صحبت کنند، سخنرانی هایی برگزار شود و این کارشناسان با مردم صحبت کنند، آن ها را آگاه کنند و نیاز به این مسئله را برایشان آشکار و تبیین کنند. بسیاری از مردم علت این تبلیغات را نمی دانند و فقط از بُعد اقتصادی به فرزندآوری نگاه می کنند و می گویند ما از لحاظ اقتصادی مشکل داریم، بنابراین باید با برگزاری میزگرد های رسانه ای یا در قالب گفت و گوها و... اهمیت و ضرورت این موضوع برای مردم مطرح شود، هر چه اطلاعات آن ها افزایش یابد و هر چه دانش افزایی در این مسیر بیشتر باشد هدف مورد نظر بهتر و زودتر تحقق می یابد.

در ارتباط با تبعات فردی کاهش نرخ جمعیت خواندن نظرات دکتر قزایی مقدم جمعیت شناس و استاد دانشگاه نیز خالی از لطف نیست.

*** بحثمان را با اصل موضوع جمعیت شروع می کنیم. چه تحلیلی از وضعیت جمعیت کشور دارید؟**

از هر منظری که نگاه کنیم یعنی چه موافق افزایش جمعیت باشیم چه مخالف آن، مشکل اصلی به اعتقاد من تغییر ذهنیت و نگرش بانوان است. نگاه آن ها نسبت به فرزندآوری و آینده فرزندان کاملاً تغییر کرده است. بعضی از آن ها می اندیشند که ما تنها یک بار به دنیا آمده ایم و می خواهیم از زندگی لذت ببریم و بر این اساس نمی خواهند خود را با مشکلات و سختی های فرزندآوری و تربیت آن ها درگیر کنند. این تغییر نگرش اوایل سال ۱۹۷۰ شکل گرفت، زمانی که اوتاندا، دبیر کل سازمان ملل نسبت به افزایش جمعیت دنیا هشدار داد و گفت: افزایش بی رویه جمعیت دنیا زاینخش است. بر همین اصل تمام کشورهای دنیا و از جمله ایران برای کاهش جمعیت برنامه هایی را اجرا کردند مثل قوانین تنظیم خانواده.

اگر می خواهیم تعداد فرزندان خانواده ها بیشتر شود باید حداقل حمایت هایی را به ویژه از بانوان داشته باشیم. از جمله پرداخت هزینه های تغذیه، درمان و... اگر چه با تغییر نگرش افراد به راحتی این اتفاق نمی افتاد. کشورهای اروپای غربی، روسیه، بلاروس و دیگر کشورها شاید حالا اگر ماهی یک هزار دلار هم به آن ها بدهند، حاضر نیستند بچه دار شوند چون تفکر و نگرش بانوان تغییر کرده است، در ایران هم همین اتفاق افتاده است. افراد بیشتر نگران آینده، شغل و مسکن بچه ها هستند. این تغییر نگرش ها به ویژه تغییر نگرش بانوان اجازه

در این زمینه نظر دکتر سیما فردوسی روانشناس را نیز جویا شدیم و از او پرسیدیم:

علل روان شناختی کاهش گرایش زوجین به فرزندآوری را در چه می دانید؟

یکی از مسائلی که در زندگی طبیعی افراد وجود دارد عبور از مراحل مختلف است. از کودکی به نوجوانی و از نوجوانی به جوانی و تجربه از دواج. افراد وقتی از دواج می کنند به طور طبیعی دوست دارند، صاحب فرزند شوند، اما بعضی از زوجین خیلی مسئولیت پذیر نیستند و احساس می کنند اگر بچه ای نداشته باشند می توانند راحت تر زندگی کنند. گروهی از زوجین هم ممکن است شاهد تجربه های بد و سخت دیگران بوده اند که مشکلاتی در تجربه فرزندآوری شان داشته اند و با دشواری هایی همراه بوده اند. با مشاهده این سختی در زندگی دیگران کمی ترسیده شده اند و تمایلی به بچه دار شدن ندارند؛ عده ای هم که دارای یک فرزند هستند ممکن است به دلیل سختی هایی که پشت سر گذاشته اند، دوست ندارند فرزند دیگری داشته باشند. معمولاً خانواده هایی که در فرزندآوری اول مشکلاتی را تجربه کرده اند، مثلاً بچه بیش فعال داشته اند یا با مشکلات دیگری اذیت شده اند، می گویند دیگر بچه نمی خواهیم، گروهی دیگر هم فکر می کنند هر گونه امکاناتی که دارند برای فرزند اول خرج می کنند و تمام تلاش خود را برای کیفیت تربیت او به کار می گیرند. ولی تمام این مسائل، تفکرات اشتباهی است که گریبان گیر زوج ها شده است. آن ها باید بدانند، تک فرزندی مسائل ویژه خود را دارد، بچه هایی که خواهر و برادر ندارند و تنها هستند، نیاز به داشتن خواهر و برادر را دارند و بچه های دیگر نمی توانند نقش خواهر یا برادر را برای آن ها ایفا کنند، مهم این است که بچه ها در طول رشد خود، تنها نباشند و حضور خواهر و برادر به رشد روانی فرزندان کمک زیادی می کند، بچه هایی که به تنهایی بزرگ می شوند معمولاً توقعاتشان به سرعت از سوی والدین بر طرف می شود و آن ها هیچ وقت طعم رقابت و شراکت در بسیاری از مسائل را نمی چشند و وقتی وارد اجتماع می شوند تصور می کنند افراد اجتماع هم مثل پدر و مادرشان هستند و باید خواسته های آن ها را برآورده کنند، آن ها بسیار پرتوقع خواهند بود. از این رو بچه ها نیاز دارند تا در مسیر رشدشان غم ها و شادی هایشان را با دیگران به شراکت بگذارند و این «دیگران» نمی توانند کسانی غیر از خواهر و برادر آن ها باشد. کسانی که یک فرزند دارند، باید وقت زیادی برای آن ها صرف کنند و با این حال گاهی نمی توانند جایگزین دوستان و خواهر و برادری داشته باشند که فرزندشان نیاز دارد.

*** تک فرزندی برای خود والدین و خانواده چه تبعاتی به همراه دارد؟**

با افزایش سن، نیازهای روانی افراد تغییر می کند. افراد تا زمانی که جوان هستند، می توانند خودشان را سرگرم کنند، اهداف و برنامه هایی برای خود داشته باشند و دوست دارند با آسودگی و فراغ ببال به اهدافشان برسند ولی با افزایش سن دیگر نه توان رسیدن به هدفی را دارند و حتی گاه هدفی ندارند، در این شرایط نیاز به حمایت فرزندان دارند، نیاز دارند به فرزندانشان محبت کنند و از آن ها محبت ببینند و آن ها به دلیل افزایش سن شان کمی از آینده می ترسند و نگران هستند که اگر ناتوان تر شدند کجا بروند؟ چه کسی از آن ها پرستاری و مراقبت خواهد کرد؟ در حالی که کسانی که دارای



در میزگرد خراسان با حضور سه مسئول بررسی شد

امیر جلیلی نژاد - مهدی پناهی

بحران تحدید نسل

«اجرای سیاست کنترل جمعیت در اوایل دهه هفتاد کار صحیحی بود اما ادامه آن از اواسط دهه هفتاد اشتباه بود و مسئولان کشور و از جمله رهبری در این اشتباه سهیم هستند و باید از خداوند طلب عفو کنند» (برگرفته از سخنان رهبر انقلاب در تاریخ ۱۹/۷/۹۱ در جمع پر شور مردم خراسان شمالی) این صریح ترین اظهار نظری است که بعد از سال ها در میان مسئولان نظام و توسط شخص مقام معظم رهبری درباره بحران پیری جمعیت و تحدید نسل مطرح شد. با این که ایشان در مقام سیاستگذاری های کلان کشور می باشند اما ورود مستقیم به این مسئله نشان دهنده اوج دغدغه رهبری و اهمیت این مسئله است. با این که سیاست های کلان در حوزه جمعیت با نگرش جلوگیری از شیب تند کاهش جمعیت جوان توسط شورای انقلاب فرهنگی تصویب و در مجلس نیز در قالب طرح ویر نامه ها گنجانده شده است اما به اعراف مسئولان و کارشناسان هنوز بر نامه های کنترل جمعیت دهه هفتاد ادامه دارد! چرا مجریان سلامت و بهداشت کشور همچنان روند گذشته را ادامه می دهند؟ چه کسی مسئول اجرای بر نامه های افزایش جمعیت کشور است؟ نقش سازمان های جهانی در بحران جمعیت کشور چیست؟ همه این ها، سوالاتی است که شاید در موضوع بحران تحدید نسل کمتر به آن پاسخ داده شده است. پاسخ به این سوالات و تشریح سیاست های شورای عالی انقلاب فرهنگی همه موضوعاتی است که در میز گردی با حضور دکتر کبری خز علی، رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان، علی اکبر محزون، مدیر کل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور و همچنین دکتر محمد جواد محمودی، رئیس موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی کشور در روزنامه خراسان مطرح شد. هر چند از گرامی زادگان معاون پارلمانی معاونت امور زنان ریاست جمهوری و دکتر مطلق مدیر کل دفتر سلامت و جمعیت وزارت بهداشت هم برای شرکت در این میز گرد دعوت شده بود اما پاسخگو نبودند یا امکان حضور نداشتند. مشروح این میز گرد در ادامه آمده است.

سیاست های تشویقی شورای عالی انقلاب فرهنگی برای افزایش جمعیت بر چه اساسی تدوین شده است؟



محمودی: این مشوق ها بر مبنای تحقیقات علمی و تجربیات دیگر کشور هاست. در همه کشور هایی که با کاهش نرخ باروری مواجه شده اند، برای مرخصی زایمان تشویق هایی با عنوان مرخصی برای مادران، مرخصی پدر و حتی مرخصی والدین، مزایای نقدی و غیر نقدی، تخفیف های مالیاتی، مهد های کودک و... در نظر گرفته شده است. سیاست های تشویقی شورای عالی انقلاب فرهنگی هم مشابه دیگر کشور هاست. البته وجه تمایز سیاست های شورای انقلاب فرهنگی در تغییر نگرش است، چرا که ساختار های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ماتغییر کرده و باعث پایین آمدن نرخ باروری شده است.

وظیفه دفتر آمار اطلاعات جمعیتی نسبت به وضعیت جمعیت چیست؟

محزون: این دفتر ابزاری برای رصد و پایش تحولات جمعیتی کشور است. با دفتر آمار جمعیتی هم خدمات ارائه می کنیم و

سهام زوج های بالای ۳۰ سال حدود دوبرابر شده است. در دهه ۶۰، ده میلیون و ۵۰۰ هزار زن در سن باروری یعنی سن ۱۵ تا ۴۹ سال داشته ایم و وقوع سالانه ۲ میلیون ولادت در کشور نشان دهنده ظرفیت باروری کشور مان در آن زمان است.

طبق آخرین سرشماری سال ۲۲،۹۰۰ میلیون و ۳۰۰ هزار زن در سن باروری و یک میلیون و ۳۵۰ هزار مورد فرزندآوری وجود داشته است در حالی که ۱۲ میلیون نفر به زنان در سن باروری اضافه و تعداد آن حدود دوبرابر شده است اما در این سال مولید ما تقریباً به نصف رسید! یعنی ۵/۳ تا ۴ برابر کاهش در استفاده از ظرفیت باروری داشته ایم.

مقام معظم رهبری در دیدار ۱۹ آذر با شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره آسیب های اجتماعی بحران سالمندی جمعیت و لزوم توجه جدی به آن تذکر دادند. این شورا چه فعالیت هایی را در راستای تحقق منویات رهبری در این زمینه انجام داده است؟

خز علی: واقعاً کشور در موضوع جمعیت ضربه بسیار اساسی خورده است. سیاست های تحدید جمعیتی در آن زمان درست بود اما تا امروز همان سیاست ها را ادامه داده ایم! تحدید نسل همان سیاست غربی هاست که در کشور های اسلامی اجرا می شود، در سند «دکترین امنیت ملی آمریکا» که توسط مرکز عملیات های نظامی و غیر نظامی پنتاگون تهیه شده و به طور رسمی روی سایت سازمان سیا موجود است، آمریکایی ها اعلام کرده اند ما سیاست هایمان را از طریق آژانس های سازمان ملل اعمال می کنیم. کنگره آمریکا به طور رسمی اعلام می کند دشمن اول آن ها ایران است و ملت ایران را خطاب قرار می دهد. کنگره آمریکا دقیقاً برای ایران، برنامه ریزی دارد و برنامه کنترل جمعیت را حدود پنجاه سال است مستقیم با ماموریت از سوی سازمان ملل و شورای تحدید مولید آمریکا پیاده می کنند. ایران سال ۷۳ رتبه اول جهان در شدت، نوع و سرعت کاهش جمعیت را کسب کرد و جایزه گرفت! مسئولان هم مکرر تقدیر می شود. این تقدیر ها در زمانی بود که اوج جنگ بود و همه مسئولان مان محکوم و مورد سوال غرب بودند.

در حالی که کشور دچار محدودیت های شدید و تحریم های اقتصادی جدی بود، در عرصه کنترل جمعیت همه امکانات و دارو ها به شدت و به وفور و با ارزان ترین قیمت وجود داشت. جالب توجه است که در کشور های اروپایی حتی در زمانی که به کاهش جمعیت توصیه می کردند تنها دوروش برای کنترل جمعیت استفاده می شد و مانند ایران این قدر روش های متنوع ارائه نمی شد، اما در کشور ما ۱۱ روش وجود دارد.

در شورای عالی انقلاب فرهنگی از سال ۸۱ و ۸۲ تحقیقاتی شروع شد که با تاکیدات مقام معظم رهبری به سیاست های مصوب خرداد سال ۹۱ منجر شد. این سیاست ها به طور رسمی می گوید اولین و مهم ترین مسئله ما در مهندسی فرهنگی این است که از کاهش نرخ باروری جلوگیری کنیم. امسال در نرخ باروری به رقم ۱/۸ رسیده ایم که از نظر علمی بهتر است این نرخ ۲/۳ باشد. مصوبه شورا این است که نرخ باروری از این بیشتر کاهش پیدا نکند و سپس برای ارتقای آن سعی کنیم. برای ارتقاء باید روی فرهنگ سازی و اصلاح بینش مردم و مسئولان کار کنیم تا به پیامدهای منفی کاهش باروری دقت کنند.

بحث دوم قوانین دست و پا گیر است؛ در این مصوبه تصریح شده است که سیاست ها، برنامه ها، قوانین و مقررات مشوق کاهش باروری، لغو شود و سیاست ها، برنامه ها و قوانین حمایتی برای تشویق باروری جایگزین شود.

هنوز ما این بحث را در دستور کار مجلس داریم و به نتیجه ای نرسیده است، در حالی که مصوبه شورا مربوط به خرداد ماه ۹۱ بوده است و ۱/۵ سال از آن می گذرد!

وزیر بهداشت در مصاحبه ای گفتند که هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان برای سال ۹۲ برای بحث افزایش نرخ جمعیت بود چه تخصیص داده شده است اما به صورت غیر رسمی هنوز سطوح مختلفی از وزارت بهداشت در برابر این موضوع مقاومت می کنند. علت این تناقض چیست؟

خز علی: وزیر بهداشت هم اعتقاد دارند که بحران کاهش نرخ

هم تحولات جمعیتی را مبتنی بر گزارش های آماری، به موقع رصد می کنیم. پیک جمعیتی در سال های ۶۵ و ۶۶ به حداکثر خودش رسید و بعد با سرعت بسیار بالایی رو به کاهش گذاشت. آمار نشان می دهد که سن فرزندآوری در مادران افزایش پیدا کرده است و شاهدیم که در یک فاصله کمتر از ده سال، سهم فرزندآوری در بالای سی سال از ۵/۲۷ درصد به حدود ۱/۳۳ درصد رسیده است و این یعنی در حال حاضر تقریباً یک سوم فرزندآوری ها در سن بالای سی سالگی، اتفاق می افتد. این یکی از پیامدهای افزایش سن ازدواج است که در کشور ما طبق آمار موجود میانگین ۲۷ سال برای مردان و ۲۳ سال برای زنان است، هم چنین سهم ازدواج های بالای ۳۰ سال برای خانم ها قابل توجه است که به یک رقم دوبرابری در کمتر از ده سال رسیده است!

سال های ۸۵ و ۸۶ در میان زنان، ۳/۶ درصد کل ازدواج ها بالای ۳۰ سال و در مردان بالای ۳۵ سال اتفاق می افتاد. این سن غیر متعارف است چرا که ۸۵ درصد ازدواج ها در مردان بین ۲۰ تا ۳۴ سال و ۸۶ درصد در زنان بین ۱۵ تا ۲۹ سال است؛ امروز رقم ۳/۶ درصد به ۲/۱۱ درصد رسیده است. یعنی تقریباً

باشد که چرا از نظر علمی این قدر عقب است. در پاسخ به این که بین مصوبات شورای آموزش عالی و آن چیزی که در مجلس است چه ارتباطی است، باید بگویم که بعد از اینکه مصوبه خدمت آقا تقدیم شد، ایشان خیلی تقدیر کردند که کار علمی بسیار خوب و دقیقی است، کار کاملی است اما بهتر است سیر مجلس را هم طی کند چون بعضی از این قوانین به بودجه و تغییراتی در قانون مالیات و استخدامی نیاز دارد.

با این حال مجلس طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده را عنوان کرده است که به نظر من تعالی خانواده در آن نیست ولی طرح جامع جمعیت آمده که بحث های خیلی وسیعی است، بحث ازدواج، طلاق و آسیب های اجتماعی و همه چیز را قاطی کرده است؛ در حالی که این موارد قانون دارند.

قانون ازدواج مربوط به سال ۸۴ است و کامل تر از طرح جمعیت مجلس است، آنچه مجلس در موضوع جمعیت آورده هم قانون ازدواج را نقض کرده و هم به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی آسیب زده است. باید یک بودجه این جا تخصیص دهیم و یک بودجه آن جا و بار بودجه که بالای می رود، هیچ چیز جلو نخواهد رفت؛ تداخل بین دستگاه ها به وجود می آید و نمی دانند هر کدام را کدام بخش باید اجرا کند، عملاً قانون فلج می شود و این همان فرصت سوزی است که رهبری به آن اشاره کردند.

یعنی بر خلاف آن بودجه ای که برای افزایش جمعیت در نظر گرفته شده است از قبل بودجه ای برای کاهش جمعیت به وزارت بهداشت داده شده است؟

خز علی: اصلاً اسمش بودجه تنظیم خانواده بوده است و در این راستا صرف می شود. من اعلام می کنم بروند خانه های بهداشت گزارش بگیرند که سال ۹۱ چه کارهایی کرده اند؟ می گویند: «واکتومی، دادن قرص های پیشگیری و...» اسمش را هم سلامت می گذارند. ببینید اسم بد نمی گذارند و می گویند می خواهیم مادر سالم باشد برای همین این ها را به او می دهیم!

من با اسناد سازمان ملل به شما ثابت می کنم که بعد از انقلاب گفته اند در کشورهای سنتی که فرهنگ شان کاهش جمعیت را نمی پذیرد، اسم کاهش جمعیت نیاورید و بگوید کنترل جمعیت، نشد بگذارید تنظیم خانواده و نشد سلامت مادر و کودک؛ نشد باروری آگاهانه، آزادانه، مسئولانه؛ این ها بازی با اسامی است ولی برنامه یکی است و هیچ تغییری نکرده است!

دکتر محمودی! مجموعه شما الان چه جایگاهی در بحث وضعیت جمعیت کشور دارد؟

محمودی: ابتدا درباره موضوع نقش وزارت بهداشت که در سوال قبلی تان مطرح شد، این را باید بگویم که واقعا ما نمی توانیم انتظار داشته باشیم بایک بخشنامه مسئله حل شود. به نظر من اولویت اصلی وزارت بهداشت باید قانع کردن بدنه کارشناسی اش باشد. همان طور که وزیر گفته بود باید نخبگان قانع شوند. الان بدنه وزارت بهداشت با این موضوع غریبه است، بعضی از دانشکده ها که می رویم این حرف های ما برایشان جدید است و اظهار می کنند این ها را نمی دانستیم. البته این شرایط مربوط به حداقل ۷-۸ ماه پیش است. وزارت بهداشت

چگونه تشویق کنند که بارداری سالم ایجاد شود؟ آیا حتی این نیت در مسئولان و مدیران میانی وزارت بهداشت وجود دارد یا همان روش قبل را ادامه می دهند؟

به این آمار تکان دهنده توجه کنید، از ۲۲ میلیون زن در سن باروری، ۱۴/۵ میلیون نفرشان متاهل اند و امکان باروری دارند. برای ۳ میلیون نفر از این ها خودمان شرایط ناباروری را فراهم کرده ایم، ۳ میلیون هم خودشان نابارور هستند، یک میلیون نفر هم در حال طلاق گرفتن هستند که تصمیم به باروری نمی گیرند، بقیه را هم تشویق می کنیم که از این سن تا این سن با این فاصله سه تا پنج سال فرزند بیاورید اول ازدواج آموزش می دهیم که تا پنج سال هرگز فرزند نیاورید، شاید با هم اختلاف نظر پیدا کنند و بخواهند جدا شوند! یعنی الفای اینکه ممکن است جدا شوید. بنابراین خودبه خود افراد بالای ۲۷ سال ازدواج می کنند و پنج سال هم صبر می کنند. چند سال دیگر برای باروری باقی می ماند؟

سن جمعیت متولد شده در اوایل انقلاب تا الان به بالای ۳۲ سال رسیده است، این ها کم از سن باروری دور می شوند، بنابراین این ما سال ۹۵ در چاله جمعیتی قرار می گیریم! اما باز هم می گوئیم بنشینیم برنامه ریزی کنیم و تحقیق کنیم و آمار را بررسی کنیم یا برنامه های بسیار وسیعی می نویسیم که غیر قابل اجرا است؛ این ها یعنی بازی کردن با وقت!

شما گفتید از سال ۸۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی روی موضوع جمعیت کار کرده است اما سیاست ها سال ۹۱ تصویب شده است! دلیل این فاصله طولانی چیست و مهم تر از آن رابطه این سیاست ها با طرح جامع جمعیت که در مجلس تصویب شده چیست؟

خز علی: فاصله بین ۸۱ تا الان؛ فاصله ای است که طرح باید انجام می شده است! همان سال های اولی که این سیاست برای تصویب در دولت کارگزاران آمد. ما از آن سال تا به حال، تلاش کرده ایم تا در باره کاهش نرخ جمعیت سوالات اساسی مطرح شود. تا توانستیم البته با رهنمودهای مقام معظم رهبری و بازحمات اندیشمندان هشدارهای لازم را داده ایم تا این که بالاخره خود سازمان ملل سال ۹۰ اعلام کرد که جمعیت ایران خیلی در وضعیت بحرانی است! سازمان ملل که اعلام کرد، کم کم فرصت برای طرح این موضوع فراهم شد.

من نمی گویم برویم تحقیق کنیم تا کار نو بکنیم، بلکه از روی غرب تقلید کنیم. ببینیم چگونه فرانسه، انگلیس، آمریکا، کانادا، روسیه این کار را کرده اند. در روسیه مادری که بالای هفت فرزند به دنیا آورد، لقب قهرمان ملی گرفت؛ مثل کسی که از جنگ برگشته و پیروز است. تمام هزینه های زندگی، سفر، هواپیما و هتلش مجانی شد، به خاطر این که ۷ هدیه به جامعه داده است.

در کشورهای غربی برای فرزندآوری، ارزش اقتصادی، فرهنگی و سیاسی قائل هستند؛ اما در ایران مادری که سومین یا چهارمین فرزندش را به دنیا بیاورد، حتی توسط کادر پزشکی سرزنش می شود که مگر دنبال فرزند پسر هستی که باز هم داری فرزند می آوری؟! این مادر را با این کلمات تحقیر می کنند، این در جامعه ما فرهنگ سازی شده است و پزشک ما باید جوابگو

خز علی: قانون ازدواج مربوط به سال ۸۴ است و کامل تر از طرح جمعیت مجلس است، آنچه مجلس در موضوع جمعیت آورده هم قانون ازدواج را نقض کرده و هم به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی آسیب زده است

محمودی: اولویت اصلی وزارت بهداشت باید قانع کردن بدنه کارشناسی اش باشد. همان طور که وزیر گفته بود باید نخبگان قانع شوند

جمعیت یک بحران ملی است. اما مدیریت میانی، دقیقاً همان برنامه های گذشته را ادامه می دهند. ما به روستاها و سراغ خانه های بهداشت رفتیم، مسئول خانه بهداشت می گوید همان برنامه های سابق به ویژه عقیم سازی های قطعی را با همان شدت سال های گذشته ادامه می دهیم چون می گویند شاخص های تان نباید تغییر کند! قبلاً سازمان ملل از ما می خواست که کاهش جمعیت را با روش های قطعی بازگشت ناپذیر انجام و گزارش دهیم، هنوز هم این سیاست ادامه دارد.

گله ما از مدیریت میانی وزارت بهداشت است که اجلاس می گذارند و می گویند می خواهیم برنامه ها را عوض و شرایط ازدواج مطلوب را فراهم کنیم؛ این اصلاً وظیفه آنها نیست. وظیفه شان اصلاح آیین نامه ای است که به خانه بهداشت داده اند و وظیفه بهروز را فقط آموزش کنترل جمعیت و دادن لوازم تنظیم خانواده معرفی کرده اند.

مشکل واقعی چیست؟ این مدیران میانی اند که خودش عمل می کنند یا سر در گمی در خود وزارت بهداشت است یا یک سطح از این بالا تر مسئول است؟

خز علی: در مصوبه شورای عالی دقیقاً به همه زوایا به صورت جامع توجه و گفته شده است «به منظور ابلاغ برنامه ریزی، نظارت و ارزیابی کلان جمعیتی، نهاد تخصصی مدیریت جمعیت کشور ظرف مدت سه ماه توسط دولت تشکیل و با همکاری دستگاه های ذی ربط نسبت به تهیه برنامه عمل با تقسیم کار ملی و دستورالعمل های لازم اقدام شود و گزارش عملکرد را هر شش ماه به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه دهد»، در این راستا برنامه ای با تقسیم کار ملی در ستاد ملی زن و خانواده در ریاست جمهوری با امضای وزرای ذی ربط تصویب شد و به عنوان یک مصوبه دولت وجود دارد و برای آن بودجه زیادی پیش بینی شد. حال وزارت بهداشت باید پاسخگو باشد که از تاریخ مصوبه خرداد ماه ۹۱، آیا قانون تنظیم خانواده آن سال لغو و به جایش آیین نامه جدید، به بهروز ها و خانه های بهداشت ارائه شده است؟ آیا اعلام کرده اند که چه آموزش هایی به مادر بدهند و



دکتر خز علی



دکتر محزون



دکتر محمودی

محزون: در دهه ۶۰ ده میلیون و ۵۰۰ هزار زن در سن باروری و سالانه ۲ میلیون ولادت در کشور داشته ایم اما در سال ۹۰، ۲۲ میلیون و ۳۰۰ هزار زن در سن باروری و یک میلیون و ۳۵۰ هزار مورد فرزندآوری وجود داشته است در حالی که ۱۲ میلیون نفر به زنان در سن باروری اضافه و تعداد آن ها حدود دو برابر شده است اما در این سال موالید ما تقریباً به نصف رسید!

کار بسیار سنگینی دارد، افزایش موالید کار بسیار سخت تری از کنترل موالید است. همه جای دنیا افزایش موالید کار بسیار سختی است.

در باره جایگاه موسسه مطالعات و مدیریت جامع جمعیت کشور هم باید بگویم بر مبنای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، قرار بود نهادی برای نظارت ایجاد شود که با دستور ریاست جمهوری و بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای گسترش آموزش عالی این موسسه ایجاد شد و امروز وابسته به وزارت علوم است. وظیفه این موسسه هم رصد مستمر، پایش و پیمایش دوره ای تحولات جمعیتی، انجام طرح های پژوهشی بنیادین، مطالعه، بررسی و تحلیل وضعیت تحولات جمعیتی کشور است؛ مهم ترین بحث و وظیفه این مرکز تهیه و پیشنهاد سیاست های جامع جمعیتی کشور است. یعنی باید در کنار افزایش جمعیت؛ به فکر شغل، سالمندی، اشتغال؛ بهره وری محیط زیست و مسکن آنها هم باشیم. از سال ۷۱ که این بحث های جمعیتی مطرح شد در بند (ج) قانون برنامه اول قرار بوده است از تعداد ۶/۵ یا ۶/۷ فرزند سال ۱۳۶۷ به ۴ فرزند در سال ۱۳۹۰ برسیم. مادر سال ۷۱ به این چهار فرزند رسیدیم و جالب است که در سال ۷۲ آمدیم قانون تنظیم خانواده را تصویب کردیم!

چه طور یک سال بعد از اینکه آمار نشان داده است به اهدافمان رسیده ایم اما باز هم سال ۷۲ مصوبه مجلس می شود؟

محمودی: ما می خواستیم نرخ باروری کاهش پیدا کند اما هیچ جای دنیا با چنین سرعتی نرخ باروری اش کاهش پیدا نکرده است، این نرخ باروری شروع به کاهش کرده بود و ما آمدیم تسریعش کردیم، خیلی از کارشناسان طی سال ها نسبت به این مسئله هشدار دادند اما چون مسئولان نمی خواستند توجه نکنند. البته وظیفه ما این است که بگوییم، شاید همین گفتن ها باعث شده است که ما به این نتیجه رسیده ایم که باید در سیاست ها تجدید نظر شود. یعنی اگر نمی گفتند این سیاست ها همین طور ادامه پیدا می کرد.

به نظر شما چقدر امکان دارد که سیاست های شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه جمعیت و طرح مجلس بر رشد جمعیت تاثیر بگذارد؟ عده ای معتقدند باید ابتدا فرهنگ سازی کرد.

محمودی: وقتی ساختارهای اقتصادی کشور تغییر پیدا کرد دیگر ۵-۶ فرزند معنی دار نیست. دیگر ما اصلاً به آن ۵ یا ۶ فرزند نمی رسیم. ما اگر بتوانیم همین ۱/۵ فرزند یا ۱/۶ و ۱/۷ فرزند را تا سال ۱۴۰۴ به ۲/۵ فرزند برسانیم، این هم موفقیت است. بنابر این نمی توانیم بگوییم تاثیر ندارد. غیر از این چاره ای نداریم ما به این رسیده ایم که باید کاری کنیم که فرزندآوری در ایران بیشتر شود.

محزون: کاش تلاشمان را روی این بگذاریم که واقعا راهکار اجرایی چیست؟ زمان، زمان اجراست و هنوز هم که هنوز است بعضی ها نمی خواهند به این باور برسند و به تعبیری خودشان را به خواب زده اند.

خز علی: اگر عده ای مدعی هستند که مسئله جمعیت، مباحث فرهنگی می خواهد، من هم می گویم موثر است اما چرا از اول این موضوع را به وزارت بهداشت سپردند و چرا الان هم در آخرین قانون و اصلاحی که در مجلس هست حداقل ۲۰ بندش به وزارت بهداشت ربط دارد؟ موضوع جمعیت یک جایگاه فرابخشی می خواهد و با سه قوه باید نظارت شود. این امر قانون لازم دارد. یک مجموعه فرافره ای و فرابخشی می خواهد نه یک اداره کل و یک معاونت. خوب همین بالا سرمان می آید که باید بگوییم چرا نظارت نشد؟

چه کسی باید متولی باشد؟

خز علی: باید فرابخشی باشد و هر سه قوه متولی باشند. همین مسئله مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است که یک مرکز جامع مدیریت جمعیتی هم از نظر علمی و هم از لحاظ اجرایی و مدیریت تقسیم کار کند و بعد نظارت و پایش و گزارش گرفتن و گزارش دادن به شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام شود.

محزون: همان طور که ما در قدم اول در بازنگری سیاست جمعیتی کشور، لغو قانون کنترل قبلی را مطرح کردیم، در بحث متولی هم اول باید متولی جدید تعیین کنیم، متولی که باید همه جانبه نگر باشد. در قانون، وزارت بهداشت به عنوان متولی سیاست های جمعیتی مطرح شده است. صندوق جمعیت ملل متحد نیز هم چنان رسماً وزارت بهداشت ما را به عنوان متولی سیاست گذاری جمعیتی می شناسد.

محمودی: این مسئله را در شورای عالی انقلاب فرهنگی جمعیت پیش بینی کرده ایم و امروز دیگر فقط وزارت بهداشت نیست. **محزون:** اینکه چرا وزارت بهداشت هنوز همان سیاست های قبلی را دنبال می کند، یکی از مهم ترین مسائل همان مصوبات کنفرانس بین المللی کنترل جمعیت آی. سی. بی. ال است که سال ۱۹۹۴ ایران هم به جمع امضا کنندگان آن معاهده در قاهره پیوست و سال ۲۰۱۴ هم بخشی از آن تمدید خواهد شد و هیچ کس نه من، نه جمع حاضر و نه شورای عالی انقلاب فرهنگی از آن مطلع نیست! چه کسی در جریان است که ایران از چه موضعی می خواهد آن را تمدید کند؟

در بندهای این معاهده عنوان شده اولین هدف، دسترسی همگانی به خدمات بهداشت باروری است. اگر می بینید یک مسئول بهداشتی در دور افتاده ترین نقاط دارد تعصب روی موضوعی نشان می دهد بر حسب انجام وظیفه است. در واقع دسترسی همگانی به خدمات بهداشت باروری یعنی همچنان سیاست گذشته ادامه داشته باشد، اما در کشورمان واقعا در بحث دسترسی به ابزارهای کنترلی افراط کردیم.

دومین بحث، آموزش ابتدایی و همگانی برای از بین بردن شکاف جنسیتی در آموزش است؛ صراحتاً عرض کنم این بحث یکی از سیاست های غیر مستقیم کنترل جمعیت است. یعنی در فرآیند توسعه نیازمند این هستیم که خانم ها هم ادامه تحصیل دهند و هم در عرصه های اجتماعی حضور داشته باشند.

خز علی: همین تعهد به قوانین جهانی و سوء استفاده مجامع بین المللی را در سال ۹۱ داشتیم، آخرین روز های وزارت خانم فاطمه وحید دستجردی، وقتی وی در آمریکا حضور پیدا کرد، معاون دبیر کل سازمان ملل، خانم باشته به وی گفت: «شنیده ام می خواهید تنظیم خانواده را بردارید، اگر بردارید علیه تان اعلامیه حقوق بشری داده می شود! شما به جای این کار روی ازدواج حرف بزنید.»

می خواهم عرض کنم این فقط یک بیانییه نیست بلکه دارد عمل می شود. ما را تهدید می کنند که حق ندارید قوانین را بردارید، چرا مطابق با حقوق بشر، مردم اروپا و آمریکا باید افزایش جمعیت داشته باشند اما ما نه!

محزون: مسائلی که مطرح شد یک بعد قضیه است، در باره پتانسیل رشد جمعیت چرا نمی آیم افزایش کیفیت جمعیت را نام ببریم؟ مگر ما از ابتدای پیروزی انقلاب تا همین الان جمعیت مان بیش از دو برابر نشده است؟ آن جمعیت

۳۶ میلیونی الان ۷۷ میلیون است. متناسب با این، طبق گزارشی که خود سازمان ملل داد شاخص کیفی سطح زندگی در کشورمان و شاخص توسعه انسانی که مهم ترین شاخص کیفیت زندگی و کیفیت جمعیت است، افزایش پیدا کرده است. شاخص توسعه انسانی در کشور ما طبق گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۰ زده کشور های با توسعه انسانی متوسط به رده کشور های با توسعه انسانی بالا صعود کرد. چون امید به زندگی که اول انقلاب ۵۸/۶ سال بود به ۷۱/۹ سال در سال ۲۰۱۰ رسید و الان به حدود ۷۳ سال رسیده است. میزان سواد و تحصیلات حتی سرانه درآمد ناخالص ملی هم افزایش پیدا کرده است، این نشان می دهد که کیفیت جمعیت مان به خطر نیفتاده است و توانسته ایم هم مدیریت کمی و هم مدیریت کیفی را داشته باشیم. نکته دوم بحث منابع است که همواره بیان می شود کشور ما ظرفیت و منابع لازم برای مدیریت این جمعیت را ندارد اما طبق بررسی های کارشناسی این ظرفیت وجود دارد.

مهم ترین دلیلی که در جامعه برای تک فرزندی مطرح است بحث مشکل اقتصادی است. آیا این نگاه درست است؟

محمودی: مشکلات اقتصادی قطعاً یکی از دلایل است ولی همه دلایل نیست! ما عوامل مستقیم و غیر مستقیم کاهش باروری را توامان داریم؛ یکی از عوامل مستقیمی که باعث پایین آمدن نرخ باروری در ایران می شود سن ازدواج است. وقتی سن ازدواج بالا می رود قطعاً تاثیر حداقل ۳ یا ۴ سالی بر نرخ باروری می گذارد؛ در ۱۰ سال گذشته سن ازدواج بالاتر رفته است. آقای محزون اعلام کردند که سن ازدواج حدود ۲۷ سال برای مردان و ۲۳ سال برای زنان است. از سویی استفاده از وسایل تنظیم خانواده بر کاهش باروری تاثیر گذاشته است. سقط عمدی و نازایی بعد از زایمان اول به خصوص در ایران که بیشتر زایمان ها سزارین است شیوع بسیار زیادی دارد؛ وقتی شما زایمان سزارین را انجام بدهید با خودش در صد بالایی از نازایی دارد. علت آن هم چسبندگی لوله های رحم و دیگر موارد است. این ها علل موثر و مستقیم است. دلایل غیر مستقیم همانند شهرنشینی، تحصیل به خصوص برای زنان و اشتغال زنان است که مورد آخر اصلاً اجتناب ناپذیر است و خودمان هم می گوییم الان چون نیروی کار مان کم شده، این مسئله لازم است و باید باشد. ۳ میلیون فرصت شغلی در کشور توسط خارج می اشغال شده است؛ من اعتقاد ندارم این افراد باید بروند، چون ما ایرانی ها حاضر نیستیم کارهایی را که آن ها می کنند انجام دهیم! ببینید ما قطعاً با کمبود نیروی کار مواجه هستیم پس چه کسانی می خواهند این کار ها را انجام دهند؟ کاهش باروری باعث شده است که تعداد افراد در سن کار کم شود. از سال ۹۰ این کاهش شروع شده است، بنابراین قطعاً زنان باید بیایند و وارد بازار کار شوند، اگر بخواهند وارد بازار کار شوند قبلاً هم تاکید کردم باید حمایت های لازم از آنها به صورت جدی و واقعی بشود تا مسئله باروری و مادری شان تهدید نشود.

برای تغییر نگرش تلاش زیادی شده است اما همچنان کار دشواری است، خیلی ها اصلاً باروری بالای ۳۵ سال را خطرناک می دانند در حالی که باروری بالای ۳۵ سال برای مادری خطر دارد که در گذشته ۶-۵ فرزند آورده است! برای همین می گفتند بالای ۳۵ سال دیگر فرزندار نشوید، نه اینکه زنی که از دواج کرده است و اصلاً فرزند ندارد، تحت نظر پزشک و سالم است، تغذیه خوب دارد و در زمان بارداری هم می تواند تحت نظر پزشک باشد و او هم بگوییم باروری بالای ۳۵ سال خطر دارد!

بین نرخ رشد اقتصادی و رشد جمعیت چه طور، آیا ارتباطی نیست؟

محمودی: نرخ رشد اقتصادی باعث افزایش جمعیت می شود، این ارتباط وجود دارد، علاوه بر این نرخ رشد جمعیت روی رشد اقتصادی اثر می گذارد. به خصوص اگر باعث شود که جمعیت در سن کار زیاد شود؛ آن چیزی که الان در ایران برعکسش در حال رخ دادن است. نرخ رشد جمعیت اگر باعث افزایش سالمندی شود، باعث می شود نرخ رشد اقتصادی پایین بیاید. بنابراین در بحث اشتغال معتمد از نظر علمی شرایط اقتصادی

خراسان: بدهای طرح افزایش جمعیت و تعالی خانواده مجلس چیست؟

خزعلی: بعضی از موارد تشویقی اش به این هانزدیک است و بعضی هایش تشویق های بی موردی است که هزینه را بالا می برد و طرح را غیر قابل اجرایی کند. یک نمونه را خدمت تان عرض می کنم مثلاً ما در سال حدود ۸۰۰ هزار ازدواج داریم یعنی یک میلیون و ۶۰۰ هزار دختر و پسر، در طرح آمده است به هر کدامشان یک سکه بدهیم؛ سه دهک پایین حشاشان است ولی آیا به آن کسانی که شب عروسی شان فقط هزینه هلشان چندده میلیون تومان است هم باید یک سکه بدهیم؟ در حالی که ما نیاز داریم دهک های دیگر را حمایت کنیم؛ از آن دانشجویی که در دوره دکترای تحصیل می کند و حتی هزینه پایان نامه اش را ندارد باید حمایت کنیم، الان هم می خواهیم به بارداری تشویقش کنیم، نخبه جامعه ما هم هست خوب به او کمک کنیم و کمک هزینه تحصیلی او را پوشش دهیم. این سکه را به جای اینکه به کسانی بدهیم که هیچ نیازی به آن ندارند، به امثال او بدهیم. ما می توانیم اولویت بندی کنیم یعنی همه این تشویق ها باشد ولی اولویت را به این دهک ها بدهیم؛ کسانی که بیشتر نیازمند هستند. ما می توانیم از فقر جلوگیری کنیم. مادر متن قرآن داریم که «لا تقاتلوا اولادکم خشیه املاق» یعنی به خاطر مسائل اقتصادی فرزند خود را از دست ندهید، در متون روایی در سیره علما و زندگی امروز ما می بینیم اگر پدر و مادر درست عمل کنند، الگوی مناسبی باشند، فرزند صالح به وجود می آید ولی ضعف مدیریت و ضعف برنامه دالت اجتماعی ما که در تقسیم امکانات متفاوت بر خورد می شود باعث شده است که ما بگوئیم برخی دهک ها ضعیف هستند و چون ضعیف هستند و ممکن است بچه شان دچار آسیب اجتماعی شود حق فرزند آوری ندارند. در میان علما و دانشمندان و استادان دانشگاه ما و بچه های المپیادی ما بررسی کنید ببینید بیشتر از چه خانواده هایی آمده اند؟ آیا ما باید انسان ها را این گونه برای امکانات ضعیف اقتصادی تحقیر کنیم؟ آیا بچه نخبه بین آن ها کم است؟ اولین نیروهای نخبه ما از همین اقشار هستند، ما باید از آن ها حمایت کنیم و جلوی فقر را بگیریم. فکر نکنیم چون زندگی اقتصادی شان ضعیف است حتماً فرهنگ و علم و تیزهوشی اش را هم زیر سوال ببریم.

محمودی: آن هایی که الان فقیرند اتفاقاً تعداد فرزندانشان بیشتر است. الان در کشور ما چند نفر بیکارند. ۱۵ درصد بیکارند طبق نرم اگر ۱۵ درصد بیکاری آشکار باشد بیکاری پنهان و کم کاری ۳۰ درصد می شود. ۷۰ درصد دیگر که شغل دارند ۷۰ درصد که مسکن ملکی دارند! خوب آن هایی که شغل و مسکن ملکی دارند چرا فرزند کم دارند؟ اصل مشکل ما همان ها هستند. آخرین بحث این که هم برای آن قشر فقیر، هم برای آن ها که گفتند مشکل اقتصادی است. دولت؛ یعنی ما وظیفه ما است که سیاست جامع جمعیتی تدوین کنیم، باید فکر اشتغال باشیم پس کار ما به همین دلیل که می گوئیم سخت تر است؛ ما باید فکر بهداشت، آموزش و مدرسه باشیم. وظیفه دولت است که اگر سیاست های جمعیتی و افزایش جمعیت در روستاها را تشویق می کند برای آن ها حتماً برنامه ریزی کند و متناسب با آن امکانات به روستاها برود و گر نه ما برای افراد فقیر و خانواده هایی که توانایی اش را ندارند توصیه به افزایش جمعیت نمی کنیم و به همین دلیل است که می گوئیم دولت باید کمک کند، حمایت کند تا به لحاظ اقتصادی توانمند شوند و بعد دنبال افزایش فرزند برونند. وقتی تأکید می کنیم افزایش نرخ باروری متناسب با اقتضائات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، منظور ما این است که آن هایی که این امکانات را ندارند باید برایشان امکانات فراهم کنیم. افزایش نرخ باروری، متناسب با اقتضائات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی. اگر روستایی امکانات ندارد باید برایش شرایط را فراهم کنیم. این طور نیست که حذف کنیم چون ندارد...



پس وظیفه ما خیلی سخت تر از موقعی است که داشتیم شعار کنترل جمعیت می دادیم. خراسان: از حضور تان در این جلسه خیلی متشکریم.

که در آن ایجاد کرده است اگر اصلاح شود، می تواند مفید باشد و این تغییرات و تشویق ها خوب است اما ناگهان یک قفلی رویش گذاشته است که در صورتی که باروری مطلوب باشد. باروری مطلوب چیست؟ بین سن ۲۰ تا ۳۵ با فاصله گذاری ۳ تا ۵ سال، یعنی کلاتصمیم گیری جوان را محدود می کند! برای اینکه این تشویق ها واقعی است مثلاً می گوید خانم می تواند با داشتن ۲ یا ۳ فرزند موقع استخدام هم به دلیل تعداد فرزندانش دیرتر استخدام شود و در واقع اجازه استخدام دیر هنگام را داشته باشد. امکاناتی را در تخصیص خوابگاه و ودیعه مسکن داشته باشد. مادر دانشجویی دارای فرزند زیر ۳ سال امکان گذراندن ۵۰ درصد واحدهای نظری اش را به صورت نیمه حضوری داشته باشد. با آیین نامه، در درس هایی که می شود این امکان را به او بدهیم. امکان حضور منعطف در درس و کار و شغلش؛ تحصیلات لازم، دور کاری، نیمه وقت بودن در حوزه اشتغال و... برای مادرانی که در شرایط بارداری هستند یا فرزند کوچک دارند.

حق عائله مندی و هم چنین مدت سربازی برای مردانی که فرزند دارند یا ازدواج کرده اند، متناسب با تعداد خانواده و فرزندانشان امکاناتی فراهم شود. ارائه وام قرض الحسنه فرزند برای فرزند سوم تا پنجم به کسانی که نیاز دارند، اعطای مسکن در صورت تمایل هزینه مهد کودک به مادر بزرگ و پدر بزرگ تخصیص داده شود و مادر بزرگ با انتقال مسائل فرهنگی، اخلاقی و تربیتی نوه خودش را اداره کند و حقوق مهد کودک به او داده شود. خانه داری شغل محسوب شود و بیمه داشته باشد.

محمودی: برعکس هم هست خانم دکتر، این را در ذهن داشته باشید بعداً همان خانواده، باید از پدر و مادر نگهداری کند. **خزعلی:** بله حمایت از آن نظر هم هست. حتی مادران شاغل دارای سه فرزند بیشتر می توانند با داشتن میزان سابقه کاری که به ازای هر فرزند لحاظ می شود از افزایش سنوات برای بازنشستگی برخوردار شوند. ما استفاده از این راهکار ها را در کشور های دیگر دیده ایم و خیلی موفق بوده است. در زمینه بحث درمان رایگان مادر و کودک به ویژه آن سه دهک پایین اگر فکر می کنیم وضعیت تغذیه، دارو و مکمل های غذایی خوب نیست و یا معالجه لازم در دسترس نیست، این ها همه باید مد نظر باشد. سبد تغذیه رایگان برای هر فرزند تا ۲ میلیون ریال داده شود که هزینه غذا و دارو و آزمایش های لازم دوران بارداری را تأمین کند یعنی اگر احتمال می دهیم در آن دهک های پایین ممکن است مشکلی برایشان پیش بیاید با این چنین مصوباتی از مشکلات پیشگیری کنیم. از سویی ما ۶ میلیون زوجی را داریم که بسیار زندگی شان را دوست دارند ولی به خاطر ناباروری زندگی آن ها متزلزل است باید بیمه برای درمان ناباروری به صورت کامل هزینه ها را پوشش دهد و از آن ها حمایت کند.

و باروری هیچ ارتباطی با هم ندارند.

بین درآمد سرانه و نرخ باروری ارتباطی وجود دارد؟

هیچ جاثبات نشده است که رابطه ای بین درآمد سرانه و نرخ باروری وجود داشته است، اصلاً چنین رابطه ای وجود ندارد. کشوری هست که درآمد سرانه بالا و نرخ باروری بالا دارد و کشوری هم وجود دارد که سرانه بالا اما نرخ باروری پایین دارد (اغلب کشورهای اروپایی)، این ها چه ارتباطی با هم دارند؟ یعنی اصلاً از نظر اقتصادی ثابت نشده است و این آمار و ارقام مستنداتی وجود دارد و خود سازمان ملل هم گزارش کرده است که هیچ رابطه ای بین درآمد سرانه و نرخ باروری وجود ندارد.

آیا افزایش فرزند برای کسی که توانایی مالی و وضعیت اقتصادی خوبی ندارد، باعث ایجاد نسلی که دچار آسیب هایی مثل اعتیاد و اشتغال در شغل های غیر قانونی و کاذب است، نمی شود؟

محمودی: به عقیده من دادن یک میلیون یا دو میلیون تومان برای داشتن فرزند باعث نمی شود کسی برود فرزند بیاورد! **خزعلی:** من در بحث اقتصادی ۲-۳ مثال می زنم. ببینید کشورهای دیگر برای فرزند آوری چه تشویق هایی گذاشته اند و ما چه تشویق هایی گذاشته ایم؟ خیلی از تشویق های ما ارزشی و فرهنگی است و تشویق هایی که حمایتی و اقتصادی است، بعد از تصویب مورد حمله تمام سایت ها و ماهواره ها قرار گرفت. آنجا که قرار است در موضوع جمعیت نظریه پردازی داشته باشیم، کتاب های آموزشی نوشته شود و در حوزه علمیه و مراکز پژوهشی کار شود، یک بار اعتراضی نشد، اما همین که می خواهیم کمک های اقتصادی به خانواده داده شود، می دانند در کشور خودشان همین سیاست پیاده شده و اثر گذار بوده است، برای همین مخالفت می کنند. در کشور هایی برای مادران مرخصی زایمان ۵۲ هفته ای می گذارند. یعنی از ۴ سال بیشتر!

اما همین ۶ ماه تا ۹ ماه را چانه می زنیم. به سیاست سوئد اشاره کنم که می گویند مادر هر ۳۰ ماه یک فرزند بیاورد و حقوقش، بازنشستگی اش، همه امکاناتش تأمین است. وقتی مادری ۳۰ ماه یک بار فرزند بیاورد؛ ۲۴ ماه شیر دادن طول می کشد و ۹ ماه بارداری، ببینید چقدر سریع اما ما در کشور ما می گوئیم سه تا پنج سال فاصله بگذاریم!

در ایرلند برای یک فرزند ۱۵۰ یورو، دو فرزند ۳۰۰ یورو، سه فرزند ۴۸۷ یورو و همین طور بالا می رود تا ۸ فرزند. اما ایران ۲۱ موضوع برای تشویق گذاشته است که خیلی از آن ها فرهنگی است و بعضی هم اقتصادی است.

این ۲۱ موضوع مربوط به مجلس یا شورای عالی انقلاب فرهنگی است؟

خزعلی: مربوط به شورای عالی انقلاب فرهنگی است. مجلس هم خیلی از این ها را استفاده کرده است ولی معتقدم تغییراتی



گفت و گو با دکتر اسحاقی معاون فرهنگی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

۳ چالش جمعیتی کشور

سال ۸۶ وقتی زنگ خطر برای کاهش نرخ باروری، رشد جمعیت و در نتیجه آن احتمال بروز پدیده سالمندی در کشور به صدا درآمد شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان شورای متشکل از مسئولان و نخبگان جامعه دست به کار شد تا ضمن آسیب شناسی سیاست های جمعیتی گذشته، به فکر آینده جمعیتی کشور بيفتد که نتیجه آن بر جسته سازی بحث جمعیت در نقشه مهندسی فرهنگی در سال ۹۰ بود. در طول این سال ها اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی و اعضای دبیرخانه این شورا از پژوهش در این باره دست نکشیدند و دستاوردهایشان در قالب مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی به منظور بازنگری در سیاست های جمعیتی و در نظر گرفتن مشوق ها نمایان شد. حال طرح جمعیت و تعالی خانواده مجلس بر گرفته شده از مصوبات این شورا مراحل پایانی تصویب خود را در مجلس طی می کند تا با تصویب و اجرای آن تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی در مقوله افزایش جمعیت دیده شود. قانونی که شاید اجرای آن بتواند کشور را در مسیر بهبود وضعیت نرخ رشد جمعیت قرار دهد. با دکتر محمد اسحاقی معاون فرهنگی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و دبیر شورای مهندسی فرهنگی به عنوان یکی از پیشگامان این عرصه به گفت و گو نشستیم تا هم از واقعیت های موجود آگاه شویم و هم از برنامه های آینده کشور برای مقابله با این خطر بزرگ.



علیرضا کافی



*** همواره از سوی مسئولان در باره کاهش نرخ باروری و در نتیجه آن بروز پدیده سالمندی در کشور شنیده ایم. چه چیز تا این حد باعث بروز نگرانی در کشور شده است و پیر شدن جمعیت یک کشور چه مشکلاتی می تواند برای آن جامعه به همراه داشته باشد؟**

جمعیت عامل تشکیل دهنده یک کشور است و در تمامی دوره ها بحث جمعیت یکی از مهم ترین مباحث مطرح بین ملت ها بوده است. در طول تاریخ، ملت ها، اقوام و گروه های سیاسی با بودنشان نقش آفرینی کرده اند و همین جمعیت باعث پیشرفت ملل و ماندگاری شان شده است. اگر انسان ها و ملت ها روی اصل و ریشه خود حساسیت نداشته باشند این امکان وجود دارد که به مرور زمان و با توجه به تغییراتی که ممکن است در یک گروه جمعیتی رخ دهد آن گروه به کلی حذف شود. درست مانند اقوام و تمدن هایی که در طول تاریخ از بین رفتند و حال جز آثاری از آنها چیزی باقی نمانده است. لذا انسان ها بر اساس فطرت خود روی زایش و تزايد نسل حساب می کنند و در این مورد نگاه به حال برایشان بی معناست. مشکلات اجتماعی بسیاری نیز یک جامعه سالمند را درگیر خود می کند. وقتی در یک جامعه سرمایه های اجتماعی کاهش یابد از میزان هم افزایی بین مردم کاسته می شود. در تشریح این موضوع بهتر است این گونه آغاز کنیم که در یک جامعه سالمند و در خانواده هایی که فرزند کمتری دارند وظیفه نگهداری از پدر و مادر به دلیل کم بودن فرزندان و اجتماع کوچک خانوادگی به نهادهای اجتماعی مانند بهزیستی و سرای سالمندان محول می شود یعنی همان مسیری که غرب سال ها قبل طی کرد و البته از آن ضربه نیز خورد. نهادهای اجتماعی جایگزین کارکردهای خانوادگی شدند. به جای اینکه خانواده ها و اقوام به یکدیگر کمک کنند نهادهای اجتماعی به کمک مردم آمدند.

متأسفانه بسیاری از خانواده های ما از واقعیت های موجود اطلاع ندارند. بسیاری از افراد حتی نخبگان و مسئولان ما متوجه خطر کاهش نرخ باروری به کمتر از نرخ جایگزینی نیستند. این افراد اگر بدانند نرخ باروری ما در حال حاضر ۱/۷ است در صورتی که نرخ جایگزینی ۲/۱ تعریف شده است بی شک در مقابل موضوع فرزندآوری مقاومت نمی کنند. این یک حقیقت است که وقتی نرخ باروری یک جامعه به کمتر از نرخ جایگزینی برسد به مرور از میزان جمعیت آن کشور کاسته می شود و در دراز مدت بقای آن ملت به خطر می افتد. اگر مردم، مسئولان و نخبگان به خوبی از این خطر مطلع شوند اجازه نخواهند داد که نرخ باروری از حد جایگزینی پایین تر بیاید. علت آن هم این است که همین کاهش تدریجی جمعیت و نرخ رشد جمعیت باعث بروز بحران های جمعیتی در یک کشور می شود و کار به جایی می رسد که نرخ رشد منفی می شود و پس از آن است که

جامعه رو به سالمندی می رود و جامعه سالمند با مشکلات عدیده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مواجه می شود. اگر از بعد اقتصادی به این موضوع نگاه شود جامعه دچار بحران های اقتصادی ناشی از کاهش نیروی کار و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی و در عین حال کشور دچار مشکلات سیاسی و امنیتی می شود.

*** تمایل انسان ها به ادامه نسل امری بدیهی است اما چه چیزی باعث شده است در دنیای امروز خانواده ها از بعد فردی تمایل چندانی به فرزندآوری و پر جمعیت بودن نداشته باشند؟**

نباید فراموش کرد که مباحث جمعیتی به دو بعد فردی و اجتماعی تقسیم می شود. در بعد فردی هر شخصی بر اساس نیاز فطری و طبیعی خود که خداوند در نهاد او قرار داده است تمایل به فرزندآوری دارد. علت آن هم تمایل انسان به بقاست. انسان تاجایی که برایش امکان دارد تمایل به ادامه بقاست و پس از آن دوست دارد که فرزندانش ادامه دهنده نسل او باشند.

افراد در گام اول به شرایط خودشان نگاه می کنند و در گام بعدی است که مسائل اجتماعی را برای فرزندآوری لحاظ می کنند. لذا برای متقاعد کردن مردم برای فرزندآوری باید ابتدا آحاد مردم به فرزندآوری متقاعد شوند، آن هم به نحوی که به این باور برسند که داشتن یک خانواده سالم نیاز آنهاست و نبود این خانواده در آینده می تواند از بعد اجتماعی و فردی آنها را دچار مشکل کند. جوانی که به تازگی از دواج کرده است باید به این باور برسد که اگر در زمان مناسب اقدام به فرزندآوری نکند و به این نیاز ذاتی و فطری خود پاسخ ندهد در آینده دچار مشکل می شود و تبعات فردی این امر دامن گیر او می شود.

*** به بعد فردی موضوع اشاره کردید، خانواده های کم فرزند با مشکلاتی از لحاظ ارتباطات فردی مواجه خواهند بود؟**

در شرایط فعلی، کشور با ۳ چالش در زمینه جمعیت مواجه است. چالش اول تاخیر در ازدواج، دوم تاخیر در فرزندآوری و سوم تقلیل در فرزندآوری و بسنده کردن زوجین به یک یا دو فرزند است. اگر نگاه فردی به این موضوع داشته باشیم در خانواده های کم فرزند، پدر، مادر و فرزند آینده پر مشکلی را پیش رو خواهند داشت. یکی از این مشکلات کم شدن تعداد عمو، دایی، خاله و عمه و در نتیجه آن کم شدن بستگان است که در نهایت باعث کم شدن ارتباطات صمیمانه خانوادگی می شود. از همین منظر بسیاری از روانشناسان معتقدند که تک فرزندی و کم فرزندی عوارض بسیاری برای خانواده ها به خصوص فرزندان این خانواده ها به همراه دارد.

*** چه عواملی سبب شده است تا خانواده ها تک فرزندی یادر نهایت دو فرزندی را برگزینند؟**

مجموعه ای از عوامل باعث شده است تا خانواده ها کم فرزندی را

به جای چند فرزندی برگزینند. شهرنشینی و مدرنیته که توسعه و رفاه را برای مردم به همراه داشته یکی از این عوامل است. اشتغال و صرف زمان طولانی در خارج از محیط خانه و تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ باعث شده تا محدودیت های ایجاد شده برای افراد آنها را از داشتن خانواده های پر جمعیت منصرف کند. حقیقت هم همین است. چگونه یک خانواده با سه فرزند می تواند در یک آپارتمان کوچک ۴۰ متری زندگی کند.

*** بسیار خوب، برای پاسخ به پرسش ها و مشکلات اقتصادی مردم درباره فرزندآوری چه حرفی دارید؟ مردم در شرایط اقتصادی فعلی و زندگی در آپارتمان های کوچکی که به آن اشاره کردید چگونه می توانند برای داشتن یک خانواده پر جمعیت با هزینه های بسیار اقدام کنند؟**

بخشی از عوامل بازدارنده عوامل فرهنگی اجتماعی است و بخشی هم اقتصادی. تنها راه خروج از این بحران هم ایجاد یک تحول فرهنگی در کنار رفع موانع اقتصادی است. به زندگی در آپارتمان های کوچک اشاره کردید در این باره باید بگویم، شاخص های تراکم زیستی مادر مقایسه با دیگر کشور ها از وضعیت مطلوب تری برخوردار است. در هر کیلومتر مربع از خاک ایران حدود ۴۵ نفر زندگی می کنند در حالی که در هر کیلومتر مربع از خاک ژاپن بیش از ۴۰۰ نفر در قالب سازه های بلند و آپارتمان های کوچک زندگی می کنند. با این حال از آنجا که ژاپن کشور پیری است و از لحاظ شاخص های جمعیتی در آینده به وضعیتی بحرانی دچار خواهد شد، دولت مردان ژاپنی سال ها است به فکر در نظر گرفتن مشوق های افزایش جمعیت در کشورشان افتاده اند. پس کشور ما ظرفیت داشتن جمعیت بیشتر را دارد، البته به شرط تمرکززدایی از شهرهای بزرگ.

از بعد اقتصادی هم رابطه مستقیمی بین جمعیت و اقتصاد وجود دارد. جمعیت زیاد عامل رشد اقتصادی است. در جامعه ای که جمعیت زیادی دارد میانگین نرخ مصرف کالاها هم بالا می رود و همین موضوع باعث بالا رفتن میزان تولید در آن جامعه می شود.

*** به گفته بسیاری از کارشناسان مادر حال حاضر در شرایط خوب جمعیتی قرار داریم و بخش عمده ای از جمعیت مادر سن کار و تولید قرار دارند. پس چرا نتوانسته ایم از این فرصت استثنایی در راستای رشد اقتصادمان استفاده کنیم؟**

درست است، مادر حال حاضر در بهترین شرایط جمعیتی قرار داریم. بخش عمده ای از جمعیت ما جوان و آماده برای کار کردن است. در صورتی که اکنون کشور های اروپایی که طی سال های گذشته سیاست های کاهش جمعیت را اجرا کردند تغییر رویه داده اند و به فکر افزایش جمعیت و حتی جذب مهاجر افتاده اند. مشکل ما افزایش جمعیت نیست، مشکل ما فقدان توسعه در

گونه بر آورد کرده اند؛ بر اساس این مطالعات و در بهترین حالت ممکن برای باروری، جمعیت ایران تا سال ۱۴۸۰ به ۱۱۵ میلیون نفر افزایش خواهد یافت و پس از آن رشد جمعیت منفی خواهد شد. بدین معنا که از سال ۱۴۸۰ به بعد تعداد فوتی ها در ایران از تعداد موالید پیشی می گیرد. در این حالت هرم جمعیتی کشور به تدریج به شکل استوانه در می آید و پس از چند سال هرم جمعیتی موجود به یک هرم معکوس تبدیل می شود. هر می که قاعده آن جمعیت سالمند است و راس آن به سمت جمعیت جوان است.

*** در سیاست های جمعیتی گذشته قرار بود در سال ۹۰ نرخ باروری به ۴ برسد اما اجرای بی ضابطه سیاست های کاهش جمعیت باعث کاهش سریع نرخ باروری شد و امروز کشور را دچار مشکل کرده است. حال برای اجرای صحیح بوی اشکال سیاست ها چه فکری کرده اید و آیا نظارتی بر نحوه اجرای سیاست ها خواهید داشت؟**

اینکه ما ۲۰ سال در کاهش جمعیت کشور جلو افتادیم به علت نبود مرکز صد کننده در این حوزه بود. مرکز که باید با رصد به موقع شرایط، سیاست ها و راهبردها را اصلاح می کرد. در این دودمه به هر دلیلی این مرکز صد فعال نبود و شورای عالی انقلاب فرهنگی وقتی وارد این قضیه شد که باید آسیب شناسی گذشته و دیدن آینده را با هم انجام می داد. به هر شکل در سال ۹۰ ایجاد این مرکز صد کننده به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید تا بر اساس مصوبه شورای انهاد تخصصی مدیریت جامع جمعیت به ریاست رئیس جمهور و عضویت تمامی دستگاه های مسئول تشکیل شود. بخشی از فعالیت های این مرکز مطالعات رصدی، آینده نگری و بررسی این موضوع است که آیا کشور در حال نزدیک شدن به شاخص های مورد نظر جمعیتی هست یا خیر. این مرکز باید بر این موضوع که چه سیاست هایی و در کجا باید اعمال شود نظارت داشته باشد و اینکه کدام سیاست به تغییر و یا بازنگری نیاز دارد و آیا وضعیت متناسب با رشد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جلورفته است یا خیر.

در قانون برنامه اول توسعه قانون گذار این گونه تبیین کرده بود که در سال ۹۰ نرخ باروری از ۴/۶ به ۴ برسد و جمعیت نیز از ۳/۲ به ۲/۳ تقلیل یابد. اما متأسفانه در اثر بی برنامه گی و در سایه نبود نهاد نظارت کننده بر نحوه اجرای سیاست های جمعیتی، بیست سال زودتر از موعد مقرر به اهداف تعیین شده برای سال ۹۰ رسیدیم. یعنی نرخ باروری در سال ۷۰ به ۴ رسید و پس از آن به سرعت شاهد کاهش نرخ باروری بودیم. به شکلی که نرخ باروری در سال ۸۵ به ۱/۸ و در سال ۹۰ به ۱/۷ رسید. از نگاه متخصصان جمعیت شناسی رسیدن به زیر نرخ جایگزینی یعنی ادامه یافتن روند کاهش حتی در صورت شروع اقدامات بازدارنده برای کاهش نرخ جمعیت چرا که حتی در صورت اصلاح سیاست های جمعیتی به دلیل اینکه روند قبلی تاثیرات خود را گذاشته است روند کاهش همچنان ادامه پیدا می کند.

ما امروز می دانیم که در سال ۱۴۰۴ چه تعداد سالمند خواهیم داشت و از امروز باید برای جمعیت سالمند مان برنامه ریزی کنیم. باید امکانات دوران سالمندی مهیا شود تا در آینده خانواده ها بتوانند از سالمندان در محیط خانواده نگهداری کنند.

*** آیا اصلاح سیاست ها به سرعت به افزایش نرخ جمعیت می انجامد؟**

پس از اصلاح سیاست های جمعیتی دوافاق ممکن است رخ دهد. اول اینکه با اعمال این سیاست ها روند رشد جمعیت ارتقا یابد و نرخ باروری به نرخ جایگزینی و حتی بالاتر از آن برسد که در این شرایط حتی نزدیک شدن به نرخ جایگزینی هم امیدوار کننده است. اما احتمال قوی تر این است که نرخ باروری همچنان کاهش یابد. این کاهش می تواند تا جایی پیش برود که دیگر ظرفیتی برای کاهش نرخ باروری وجود نداشته باشد.

برای در ک وضعیت کشور ما بر اساس این دو فرضیه، باید گفت اگر نرخ باروری کل کشور به نرخ جایگزینی نزدیک شود و حتی به ۱/۹ برسد، جمعیت کشور در افاق ۱۴۸۰ به ۶۰ میلیون نفر خواهد رسید. اما اگر نرخ باروری روند کاهش خود را طی کند و به ۱/۴ برسد جمعیت ایران در افاق ۱۴۸۰ به ۳۰ میلیون نفر تقلیل خواهد یافت. در جمعیتی ۳۰ میلیون نفری که ۵۰ درصد آن را سالمندان تشکیل می دهند و با احتساب اینکه ۲۵ درصد

برای این زنان قائل است. حتی یکی از وعده های انتخاباتی پوتین در انتخابات ریاست جمهوری روسیه افزایش ۵۰ میلیونی جمعیت بود. اگر به وضعیت جمعیتی آمریکا توجه کنید هیچ گاه جمعیت این کشور کم نمی شود و حتی برای دراز مدت برنامه افزایش دوبرابری جمعیت را دارند. یعنی می خواهند تا سال ۱۴۸۰ جمعیت خود را از ۳۰۰ میلیون نفر کنونی به ۷۰۰ میلیون نفر برسانند. آلمان و ژاپن هم کشور های پیری هستند. این کشور ها با استفاده از مشوق های مادی، اداری، بهداشتی و رفاهی افراد را ترغیب به فرزندآوری می کنند؛ به عنوان مثال اگر فرد کارمند باشد مرخصی های طولانی مدت به او تعلق می گیرد. حتی در کشوری مانند استرالیا اگر زنی در دو یا سه سال متوالی دو فرزند به دنیا بیاورد می تواند از ۴ سال مرخصی همراه با تمامی حقوق و مزایا استفاده کند.

*** آیا در نظر گرفتن چنین مشوق هایی برای دولت ها مقرون به صرفه است؟**

در پاسخ به سوالتان باید بگویم به چنین اقداماتی در دراز مدت برای کشور ها مقرون به صرفه است. در این کشور ها به زوج های جوان توصیه می شود در سال های اول از دواج با فاصله کم اقدام به بچه دار شدن کنند چرا که بچه ها با هم بزرگ می شوند و هزینه های شان بین دو یا سه بچه سرشکن می شود. البته این کشور ها اقدامات حمایتی خوبی هم در این زمینه انجام داده اند و تسهیلات مختلفی برای تشویق مردم کشور شان در نظر گرفته اند. مرخصی های طولانی مدت به مادران، اعطای هدیه تولد، پوشش کامل بیمه اجتماعی و درمانی مادر و کودک، در نظر گرفتن بسته های بهداشتی، تغذیه ای و تقویتی و حتی تامین مسکن و در نظر گرفتن سفرهای تفریحی.

*** کمی به عقب برگردیم، تصمیم سازان به ویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی برای اصلاح سیاست ها چه کرده اند؟**

مطالعات جمعیتی از سال ۱۳۸۶ در شورای عالی انقلاب فرهنگی آغاز شد و در نهایت در سال ۹۰ این بحث در نقشه مهندسی فرهنگی بر جسته شد. در این مطالعات مشخص شد بر نامه ریزی های دهه ۶۰ نگاه به آینده وجود نداشته است و از آنجا که برنامه ریزان آن زمان فکری به حال اشتغال مسکن و دیگر نیاز های متولدان این دهه نکرده اند امروز با مشکلات فراوان برای این نسل مواجه هستیم. این مشکلات در حالی رخ داده است که ما از نظر تراکم زیستی مشکلی در کشور نداریم اما در اثر اجرای سیاست های معیوب در کشور، بخش عمده ای از جمعیت کشور در شهر های بزرگ متمرکز شده است که زندگی در آپارتمان های کوچک، آلودگی هوا و ترافیک و دیگر معضلات اجتماعی پیامدهای آن است. برنامه ریزان دهه ۶۰ نرخ باروری ۴ را برای سال ۹۰ پیش بینی کرده بودند و باید بر اساس جمعیتی که از نرخ باروری ۴ ایجاد می شد زیر ساخت آماده می کردند. اما با وجود اینکه امروز نرخ باروری به ۱/۷ رسیده است باز هم برای تامین نیاز ها مشکل داریم که این خود نشان از بی برنامه گی دارد.

*** چه پیش بینی از آینده جمعیتی کشور دارید؟**

پیش بینی هایی که سازمان های بین المللی برای وضعیت جمعیتی کشور ما دارند با کشور هایی نظیر آمریکا متفاوت است. سازمان های بین المللی با در نظر گرفتن سه سناریوی رشد باروری بالا، متوسط و پایین، افاق جمعیتی کشور ما را تا سال ۱۴۸۰ این

بخش های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی است. مشکل از اینجا نشات می گیرد که در ۴ برنامه توسعه قبلی توجه مناسب و ویژه ای به توسعه فرهنگی اجتماعی و اقتصادی نشده است. در ظرفیت سازی ها همواره از رشد جمعیت عقب بوده ایم؛ به عنوان مثال ظرفیت در آموزش عالی دیر به وجود آمد. در حالی که متولدان دهه ۶۰ با مشکل صندلی های محدود در دانشگاه ها مواجه بودند، حال بعد از گذشت سال ها به تعداد صندلی های دانشگاهی ما اضافه شده است، صندلی هایی که خالی اند و کسی تمایل به نشستن و تحصیل در آن دانشگاه را ندارد. باز هم می گویم مشکل ما جمعیت زیاد نیست. مشکلات ما ساختاری است.

*** با خانواده ها که صحبت می کنیم معتقدند هزینه پرورش کودک بسیار بالاست. آموزش و پرورش کارایی چندانی ندارد و برای تربیت بهتر کودک باید هزینه های سنگینی کرد. برای این ابهامات باید پاسخی داشته باشیم. پاسخ شما به مشکلاتی که مردم بان درگیرند چیست؟**

برخی خانواده ها معتقدند هزینه پرورش و بزرگ کردن کودک در کشور ما بالاست و به دلیل مشکلات اقتصادی اقدام به فرزندآوری نمی کنند. در پاسخ این افراد باید بگویم کودکی که به تنهایی بزرگ می شود دچار اختلالات بسیاری می شود. در حقیقت در نگاهی وسیع تر به موضوع به این نتیجه می رسیم که هزینه تک فرزند بسیار بالاتر از چند فرزند است. در گام اول ممکن است خانواده ها این گونه تصور کنند که هزینه فرزندآوری زیاد است و نمی توانند از پس هزینه های مدرسه غیر انتفاعی، لباس، خوراک و بهداشت و درمان یک کودک جدید بر آیند. اما اگر هزینه ها و فایده های فرزند زیاد را در کنار هم قرار دهیم به این نتیجه می رسیم که در نگاهی کلی تر هزینه یک خانواده پر فرزند چندان تفاوتی با خانواده های تک فرزند ندارد. چرا که در خانواده های پر جمعیت تر به جای اینکه هزینه زیادی برای پر کردن اوقات فراغت کودک شود فرزندان خودشان در تعاملی که با هم دارند اوقات فراغت خود را پر می کنند. در گذشته هزینه های فرزندآوری به اندازه امروز نبود. فرزندانی خیلی زود به سن کار می رسیدند و در شغل پدر به او کمک می کردند. اما در شرایط فعلی فرزند به باری برای یک خانواده بدل شده است و یک نفر در یک خانواده باید بار تمامی افراد را به دوش بکشد.

از نگاه اقتصادی هم نمی توان چشم ها را روی واقعیت بست اما باید نیست بدانید بسیاری از خانواده های متمول از داشتن فرزند بیشتر خودداری می کنند. نکته مهم و اساسی این است که هر کس بسته به شرایطی که دارد خانواده خود را تنظیم می کند و اگر دولت مداخله منفی نکند هیچ گاه کار به تک فرزند نمی رسد.

*** مشکلی که ما بان دست به گریبانیم نتیجه سی سال اعمال سیاست های کاهش جمعیت و نهادینه شدن آن در بین مردم است. برای اصلاح این سیاست ها چه باید کرد؟**

بخشی از این مشکلات در فرهنگ یک اجتماع نهفته است و تردیدی نیست که برای اصلاح امور باید به اصلاح فرهنگ عمومی جامعه روی آورد. حتی کشور های غربی هم گام های بلندی در فرهنگ سازی برای ترغیب خانواده ها به فرزندآوری برداشته اند؛ به عنوان مثال در کشور روسیه به زنانی که تعداد فرزندان بیشتری داشته باشند عنوان قهرمان ملی اعطای می شود و جامعه ارزش خاصی





استانداردهای جهانی است در حالی که سزارین باید تنها در موارد ضروری انجام شود. واز کتومی سه برابر استانداردهای جهانی و توبکتومی نیز ۴ برابر استانداردهای بین المللی است. در این شرایط توبکتومی ۴ برابر واز کتومی است که خود زنگ هشدار برای سلامت زنان به شمار می رود. تمام این شاخص ها در شرایطی وضعیت بحرانی را نشان می دهند که مانتهای یک درصد جمعیت جهان را داریم. ما البته مشکلات دیگری هم در کشور داریم. برخی کارشناسان معتقدند ما منابع کافی برای جمعیت مان نداریم در حالی که مصرف آب ما ۵ برابر استانداردهای جهانی است و در مصرف سوخت هم پیشتاز هستیم. در این شرایط فقط می خواهیم صورت مسئله را که همان فرزند آوری است پاک کنیم. وقتی نگاه به آینده نباشد چنین مشکلاتی پدید می آید. ما امروز با مشکلات اقتصادی، بیکاری و مشکلات اجتماعی درگیر هستیم و اگر این مشکلات رفع نشود و بیش از گذشته بر کم فرزند تأکید شود در آینده ای نه چندان دور یک مشکل دیگر به مشکلات جامعه اضافه می شود. مشکلی به نام پیری جمعیت که هزینه های بسیاری ایجاد می کند. در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی آمده است که از امروز باید به فکر تهیه زیرساخت های لازم برای نگهداری و خدمات دهی به سالمندان باشیم. باید سیاست ها اصلاح شود تا فرزند بتواند در کنار اشتغال به پدر و مادر خود هم رسیدگی کند. از سویی در حال حاضر ۲۰ درصد از زوج های مان نابارورند. باید به ما در مان ناباروری را تحت پوشش قرار دهند، همانگونه که در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی آمده است.

*** برای فرهنگ سازی در قشر نخبه جامعه به عنوان افرادی تأثیر گذار روی عموم مردم چه برنامه هایی دارید؟**

یکی از گروه های مهمی که شور ادرصد آگاه سازی آنها برآمد نمایندگان مجلس بودند بسیاری از نمایندگان در گام های اول با افزایش جمعیت مخالف بودند ولی زمانی که با واقعیت ها مواجه شدند پذیرفتند که کشور در حوزه جمعیت در وضعیت بحرانی قرار دارد و باید فکری برای افزایش نرخ جمعیت کرد. یک بند مهم از سیاست های فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی برای اقناع مسئولان و نخبگان جامعه است. حداقل کاری که باید انجام دهیم این است که واقعیت های جامعه و اعداد و ارقام مربوط به نرخ باروری و رشد جمعیت را به اطلاع نخبگان و مسئولان جامعه برسانیم. در حال حاضر بخش عمده ای از کسانی که کم فرزند هستند مشکل اقتصادی خاصی ندارند و امکان اداره خانواده های پر جمعیت را دارند. ایجاد هیاهو و جلوگیری از اصلاح سیاست ها کار صحیحی نیست و بسیاری از این هیاهوها و مخالفت ها از خارج از کشور نشات می گیرند.

*** یعنی شمارخی اظهار نظر هارا مبنی بر اینکه دیگر کشورها برای کاهش جمعیت کشور ما برنامه دارند تأیید می کنید؟**

کشورهای خارجی و سازمان های بین المللی وضعیت جمعیتی ما را رصد می کنند و حتی برای ما برنامه دارند. در رصدهایی که انجام دادیم مشخص شد دیگر کشورها سازمان های بین المللی به صورت دائم در حال رصد وضعیت ما هستند. در مطالعات جمعیتی جهان که توسط سازمان ملل انجام گرفته است خود آنها نیز هشدار داده اند که کشورهایی چون ایران مشکل پیری جمعیت را پیش رو دارند. ما با سیاست های دو گانه این کشورها در برخورد با مقوله جمعیت مواجهیم. آنها برای افزایش جمعیت خود از هر ترفندی استفاده می کنند ولی کشورهای اسلامی را تشویق به کاهش جمعیت می کنند. این اقدامات چه معنایی دارد؟ آیا مشکلات توسعه کشور های اسلامی ارتباطی به دخالت های کشورهای قدرتمند غربی ندارد؟

*** و اما نکته آخر؟**

نکته آخر اینکه کسی را نمی توان مجبور به فرزند آوری کرد. مردم باید عقلانی و با بررسی کامل شرایط اقتصادی و اجتماعی تصمیم بگیرند. یعنی مشکلات پیش رو را ببینند و صرفه خود را بسنجند. اما باید بدانند این انسان ها نیستند که روزی می دهند و باید به این باور برسند که خداوند معیشت انسان ها را تضمین می کند.

ها و تسهیل زندگی مادران و خانواده ها به منظور فرزند آوری نه تنها هزینه بر نیست بلکه نوعی سرمایه گذاری سودآور است. زوج جوانی که مطمئن است فرزندش مشکلی برای اشتغال و آینده او ایجاد نمی کند و دولت نیز او را در تربیت و نگهداری فرزندش کمک می کند بی تردید اقدام به فرزند آوری می کند. این مشوق هادر مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی آمده است. به موازات این مصوبه مجلس شورای اسلامی نیز در طرحی ۵۰ ماده ای که تا پایان سال در صحن علنی مجلس مطرح می شود تمامی ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی دفاعی موضوع را مد نظر قرار داده است. این طرح بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین شده است.

*** یکی دیگر از مشکلات نمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ، پرترا فیک و درآپارتمان های کوچک است؟ چگونه می توان این جمعیت متمرکز را به سمت شهرهای کوچک تر سوق داد؟**

در خصوص باز توزیع جمعیت کشور باید بگویم که این مهم یکی از سیاست های شورای عالی انقلاب فرهنگی است. ما برای توزیع جمعیت و مهاجرت ها به قانون نیاز داریم. سیاست های باز توزیع جمعیت و مهاجرت چه از داخل به خارج و چه از خارج به داخل باید با برنامه ریزی صحیح تدوین شود. ما در حال حاضر بیش از دو میلیون فرصت شغلی در کشور داریم که از سوی نیروی کار ایرانی تقاضایی برای آن وجود ندارد. تعداد این مشاغل در آینده افزایش خواهد یافت و خواه ناخواه ما در آینده مانند کشورهای اروپایی به کشوری مهاجرپذیر بدل خواهیم شد. چرا که باالافتن سطح علمی نیروهای کار، این افراد حاضر به انجام هر کاری آن هم از نوع پیدی نیستند. ما امروز در دوره گذار دوم جمعیتی قرار داریم. دوره اول دوره مرگ و میر و تولد های طبیعی بود، در دوره دوم گذار دولت در تحولات جمعیتی دخالت کرد و همین دخالت باعث کاهش نرخ باروری و تولد در کشور شد. در این دوره امید به زندگی در افراد افزایش یافت و تعداد سالمندان نیز زیاد شد. در گذار سوم تعداد سالمندان به مراتب افزایش می یابد و رشد جمعیت کاهش می یابد و اگر این روند ادامه یابد در دوره گذار چهارم، رشد جمعیت منفی خواهد شد. اگر بتوانیم تا سال ۱۴۰۴ به نرخ جایگزینی و حداکثر به نرخ باروری ۲/۵ برسیم می توان وضعیت بسیار مطلوبی را متصور بود و کشور را نجات یافته از بحران پیری تلقی کرد.

*** بر اساس مطالعاتی که انجام داده اید، کشور ما گنجایش چه تعداد جمعیت را دارد؟**

بر اساس محاسباتی که انجام گرفته است ظرفیت کشور بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون نفر بر اساس تراکم زیستی کشور برآورد می شود. با داشتن این وضعیت نباید به شیوه های مختلف عقیمی روی افراد روی آورد، اعمال این شیوه ها یا توصیه های پزشکی در کنار ترویج سبک زندگی غربی سبب بروز بحران جمعیتی در کشور شده است. ما در بسیاری از شاخص ها وضعیت بسیار نامناسبی داریم که باید مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد. به عنوان مثال سزارین در کشور ما سه برابر

از جمعیت نیز زیر سن فعالیت های اجتماعی قرار دارند تنها ۲۵ درصد از جامعه در سن فعالیت هستند و می توانند به عنوان نیروی مولد فعالیت کنند.

*** چه مواردی برای افزایش جمعیت در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی دیده شده است؟**

سیاست هایی که در سال ۹۰ در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است یک مجموعه کامل از سیاست های فرهنگی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی در مانی و حتی امنیتی دفاعی است. در این مجموعه سیاست ها بحث آمایش سرزمین و باز تولید جمعیت مورد توجه قرار گرفته است. توزیع مناسب امکانات، متناسب سازی نظام اشتغال برای زنان به نحوی که فرزند آوری با اشتغال زن مغایرت نداشته باشد. حتی بازنگری در سیاست های نظام دانشگاهی و علمی کشور نیز در دستور کار قرار گرفته است به نحوی که دختران، زنان و مادران دانشجو متناسب با وضعیت خود بتوانند در دانشگاه تحصیل کنند و تا حد امکان سقف انتخاب واحد و محدودیت تعداد ترم های تحصیل برایشان بر داشته شود. باید ببینیم چه عواملی باعث بالافتن سن ازدواج در دختران شده است. یکی از این عوامل افزایش تقاضا برای تحصیل است. اما تحصیل چگونه می تواند مانع از ازدواج و فرزند آوری یک زن شود؟ برای پاسخ به این پرسش باید گفت که فرصت ازدواج تا طلی شدن مراحل عالیه تحصیل از بین می رود و از آن سو چون فرصت تحصیل برای پسران به دلیل رفتن به سربازی و یافتن شغل مناسب در بازار کار کمتر از دختران است فرصت ازدواج برای دختران پایین می آید. در این شرایط با بالافتن سن ازدواج در نهایت تجرد قطعی در دختران افزایش می یابد که بخشی از آن به دلیل هم کفونی بودن دختر و پسر است. این پدیده آسیب های اجتماعی مختلفی را با خود به همراه دارد آسیب هایی مانند ازدواج دختران با مردانی به مراتب کم سن و سال تر از خودشان.

*** آیا اشتغال مادر مانعی برای فرزند آوری است؟ با توجه به اینکه گروهی از زنان به دلیل شرایط اقتصادی مجبور به کار کردن هستند برای رفع این مشکل چه برنامه ای دارید؟**

شورای عالی انقلاب فرهنگی مطالعه ای روی وضعیت مادران شاغل انجام داد و در آن مطالعه از مادران شاغل درباره شرایط فرزند پروری حین اشتغال سوال شد. مادران در این مطالعه می گفتند اشتغال در خارج از منزل، فرزند پروری و رسیدگی به امور خانه مشکلات فراوانی برایشان پدید آورده است و به همین دلیل حاضر به افزایش تعداد فرزندانشان نیستند. لذا باید اشتغال زنان بانقش مادری و همسری شان متناسب سازی شود. در کشوری مانند ایران باید ارزش مادری و فرزندری را زنده نگاه داریم. برای توسعه نقش مادری و همسری، باید مدل هایی از اشتغال و مشارکت زنان به صورت های مختلف ایجاد شود. حتی در سیاست های شورای عالی انقلاب فرهنگی متناسب سازی نظام اشتغال برای زنان به نحوی که مانع فرزند آوری آنان نشود آمده است. ما باید مسئولان کشور را متقاعد کنیم که دادن مشوق

